

۷ زن ایرانی در صدر اخبار

جهان برای زنان ایران : جایزه جمهوری اسلامی: شکنجه و زندان



تازه ترین فیلتر شکن ها

صفحه: ۱۴

جنبش سبز و جمهوری اسلامی گفت‌وگوی مرتضی کاظمیان با علیرضا علوی تبار

صفحه: ۱۱



از سوی دولت، نمایندگان
محافظه کار و مداحان آغاز شد

تهدید به برخورد با مخالفان
در ۱۶ آذر

صفحه: ۲

مهدی کروی: پای منافع ملی ایستاده ام....

بعد از روحانیون دولتی، مدرسین سپاهی در مدارس
جلسه مشترک استانداری و روسای دانشگاه‌ها برای ۱۶ آذر
استاندار تهران: تمهیدات امنیتی برای ۱۶ آذر اتخاذ نشده
است

بعد از روحانیون دولتی: مدرسین سپاهی در مدارس
استادان دانشگاه تحت نظارت

دیکتاتوری نظامی تحت عنوان مقابله با تهدیدات نرم

صفحات: ۲ تا ۱۰

ناشر



موسسین:

خانه فیلم مخملباف / نوشابه امیری
هوشنگ اسدی / فریبرز بقائی
محسن سازگارا / علیرضا نوری زاده
فرهنگسرای پویا

مدیر اجرایی:
شهبلا بهار دوست

اولین پیش شماره هفتم تیر ماه
هزار و سیصد و هشتاد و هشت

بحران اتمی

روپاهای اتمی دولت دهم؛
واقعیت های اسفبار

محکومیت واکنش ایران به
قطعنامه آژانس انرژی اتمی

مدیر جدید آژانس بین المللی
انرژی اتمی، مخالف سرسخت
سلاح های اتمی

صفحه: ۶



۱۶ آذر سبز نزدیک می شود

راههای سبز

اظهارات متناقض فرماندهان
سپاه درباره کشتار مردم:
ما نکشیم، نفوذی ها کشتند!

خامنه ای: نوبل و اسکار هیچ

ارزشی ندارند

صفحات: ۱۰-۲



راههای سبز

۶ روز تا ۱۶ آذر

از سوی دولت، نمایندگان محافظه کار و مداحان آغاز شد

تهدید به برخورد با مخالفان در ۱۶ آذر



با وجود اینکه تنها شش روز تا ۱۶ آذر ماه باقی نمانده و هنوز هیچ یک از رهبران معترض به نتایج انتخابات و نیز هیچ نهاد یا تشکیلی برای برگزاری مراسم در این روز درخواست مجوز نکرده، استانداری تهران در اقدامی بی سابقه پیشاپیش مخالفت خود را با صدور مجوز در این ارتباط اعلام کرد.

ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، دیروز سخنان فردی به نام «صفر علی براتلو» را بازتاب داد که به نوشته این خبرگزاری، دو سمت معاون سیاسی-اجتماعی و معاون امنیتی-انتظامی استانداری تهران را بر عهده دارد و گفته: «اگر گروهی درخواست تجمع خارج از دانشگاه داشته باشد، مجوزی ارائه نخواهد شد و پلیس هم موظف است طبق قانون از تشکیل این گونه تجمعات جلوگیری کند». او در عین حال از برگزاری مراسم ۱۶ آذر در «داخل» محوطه دانشگاه ها خبر داد و گفت که تنها تشکل های وابسته به سازمان بسیج دانشجویی برای این مراسم درخواست مجوز کرده اند که با درخواست آنها موافق شده است.

این مقام استانداری در حالی از صدور مجوز برای «تجمع در داخل محوطه دانشگاه» خبر داده که تا کنون برای اینگونه تجمعات که داخل محوطه دانشگاه ها برگزار می شوند نیازی به صدور مجوز نبوده و اساسا مرجعی به عنوان صادر کننده مجوز برای چنین تجمعاتی وجود ندارد. به اعتقاد آگاهان، اعلام صدور مجوز برای تشکل های بسیجی جهت «تجمع در محوطه داخلی دانشگاه ها»، مرحله تازه ای از دخالت نهادهای امنیتی در دانشگاه ها را نشان می دهد و این گفته براتلو که «هیچ تشکل دیگری به غیر از بسیج درخواست مجوز نکرده»، حکایت از برنامه ریزی احتمالی نهادهای امنیتی برای برخورد با تجمعات دانشجویی در روز ۱۶ آبان به بهانه نداشتن مجوز دارد. معاون سیاسی اجتماعی استاندار و سرپرست معاونت امنیتی - انتظامی استانداری تهران، همچنین از برگزاری جلسه مشترک بین استانداری و روسای دانشگاه‌ها درباره ۱۶ آذر خبر داده است که به نوبه خود اقدامی کم سابقه در جهت کنترل فضای دانشگاه ها در روز دانشجو محسوب می شود.

همزمان با اظهارات این مقام استانداری تهران، منابع دانشجویی دیروز خبر از احضار مهدی عربشاهی و بهاره هدایت، از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت به دادگاه انقلاب دادند.

به نوشته خبرنگار امیرکبیر، عربشاهی و هدایت باید روز چهارشنبه خود را به شعبه ۱۲ بازپرسی داسرای انقلاب معرفی کنند. این در حالی است که هفته پیش، مهدی عربشاهی و فرید هاشمی، از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم، احضاریه ای برای حضور در دادگاه عمومی دریافت کرده بودند و حدود ۱۲ روز پیش نیز، عباس حکیم زاده، دبیر سیاسی این تشکل، در منزلش بازداشت و راهی بند ۲۰۹ زندان اوین شد.

آماده باش برای مقابله با «جریان فتنه»

در واکنشی دیگر، دیروز فرمانده سابق بسیج دانشجویی دانشگاه تهران که هم اکنون از اعضای فراکسیون اکثریت

مجلس است نیز، در اظهار نظری ابراز امیدواری کرد که «۱۶ آذر مسان به تشنج کشیده نشود». علیرضا زاکانی گفت: «امیدوارم شرایط به سمتی نرود که محفلی برای حضور عناصری معنود اما فرصت طلب فراهم شود». گفته های وی که هنوز دارای ارتباطات گسترده با گروه های بسیجی دانشگاه های تهران است، به سرعت در صفحه وبلاگ های برخی از اعضای بسیج به منزله «آماده باش» برای مقابله با «جریان فتنه» بازتاب یافت. همزمان با اظهارات این نماینده، یکی دیگر از حامیان احمدی نژاد در مجلس از نشست فراکسیون «انقلاب اسلامی» (فراکسیون خدمت) با نمایندگان وزارت اطلاعات برای بررسی «وضعیت کنونی جنبش امریکایی سبز» خبر داد. به گفته روح الله حسینیان، که به دلیل مطرح شدن نام اش در جریان قتل های زنجیره ای، در میان افکار عمومی چهره ای شناخته شده است، این نشست دیروز عصر برگزار شده است.

در همین حال به گزارش رجانبوز، منصور ارضی از مداحان هوادار احمدی نژاد در یک مراسم مذهبی در حسینیه لباسفروش های تهران گفته است: «در حال حاضر تمرکز عوامل حوادث اخیر بر روی دانشگاه‌ها است و از آنجایی که عوامل اصلی یعنی آن ۳ نفر آزاد هستند و کسی کاری به آن‌ها ندارد، به فتنه‌انگیزی‌های خود ادامه می‌دهند».

ارضی ادامه داد: «در صورت مسامحه مسئولین در برخورد با عوامل اصلی، مردم خود به بند میم وصیت نامه امام خمینی عمل خواهند کرد و اگر تاکنون نیز برخوردی نکرده‌اند، به احترام گل روی رهبر انقلاب بوده است». مجموعه این اظهارات تهدید آمیز در آستانه ۱۶ آذر، که با وجود تاکید هواداران جنبش سبز مبنی بر «حضور مسالمت آمیز در روز ۱۶ آذر» بیان می شود، واکنش محافل سیاسی نزدیک به مخالفان دولت دهم را به دنبال داشته است. در بیانیه شماره یک ستاد هماهنگی برگزاری مراسم روز دانشجو که در پایگاه رسانه ای «موج سبز آزادی» منتشر شده، در این باره آمده است: «مراقبت از انضباط مبارزات بی خشونت مجدداً مورد تاکید قرار می گیرد و دانشجویان مراقب هستند که به دام حکومت برای خشونت ورزی نیفتند. اما اگر مزبوران بخواهند به صحن دانشگاه وارد شده و حمله کنند، سد کردن راه آنان و یا بررسی راه های گریز و پخش شدن در سطح شهر از واجبات است. اصل بر این است که با حفظ انضباط مبارزات بی خشونت در شانزده آذر امسال کتک خورده و یا دستگیری نداشته باشیم». بیانیه می افزاید: «بررسی راه های بیرون رفتن از دانشگاه و برگزاری تظاهرات پراکنده و سریع در مراکز شهری متعدد، توسط دانشجویان سبز هر دانشگاه به عمل می آید». منبع: روز آن لاین

جلسه مشترک استانداری و روسای

دانشگاه‌ها برای ۱۶ آذر

معاون سیاسی اجتماعی استاندار و سرپرست معاونت امنیتی، انتظامی استانداری تهران از برگزاری جلسه مشترک بین استانداری و روسای دانشگاه‌ها درباره ۱۶ آذر خبر داد.

«صفر علی براتلو» در گفت‌وگو با ایسنا افزود: با توجه به این که مراسم ۱۶ آذر در خود دانشگاه‌ها برگزار می‌شود، تا کنون چند مجوز برای بسیج دانشجویی صادر شده، اما بقیه تشکل‌ها از جمله انجمن اسلامی تا این لحظه درخواست مجوز از ما نداشته‌اند.

وی با تاکید بر این که «پیش‌بینی ما از نوع برگزاری مراسم ۱۶ آذر این نیست که در این روز شلوغی رخ دهد»، اظهار کرد: قطعاً مراسم مربوط به این روز مثل سال‌های گذشته برگزار خواهد شد و تفاوت چندانی نخواهد داشت، اما به هر ترتیب برخی رسانه‌ها به تبلیغ در مورد این روز می‌پردازند.

براتلو با تاکید بر این که اگر گروهی درخواست تجمع خارج از دانشگاه داشته باشد، مجوزی ارائه نخواهد شد و پلیس هم موظف است طبق قانون از تشکیل این گونه

تجمعات جلوگیری کند، گفت: تا کنون این امر مرسوم نبوده؛ چرا که مراسم ۱۶ آذر در خود دانشگاه‌ها با هماهنگی‌های لازم برگزار می‌شود.

وی همچنین از برگزاری جلسه مشترک استانداری با روسای دانشگاه‌ها درباره برنامه‌های ۱۶ آذر خبر داد و افزود: البته ما به طور مرتب با روسای دانشگاه‌ها ارتباط داشته‌ایم، اما اخیراً نیز جلسه‌ای داشتیم که در مورد ۱۶ آذر در آن بحث و تبادل نظر شد.

معاون استاندار تهران افزود: نظر روسای دانشگاه‌ها این بود که تدابیر برای این روز به صورت منطقی و معقول دنبال و مطرح شود. همچنین در این جلسه اخبار روسای دانشگاه‌ها بیان شد.

معاون سیاسی اجتماعی استاندار و سرپرست معاونت امنیتی، انتظامی استانداری تهران، همچنین تاکید کرد: ۱۶ آذر برای نظام و انقلاب است و در جهت استکبارستیزی پدید آمده، ولی برخی می‌خواهند این رویکرد را تغییر دهند؛ اما پیش‌بینی ما این است که قطعاً تشکل‌های اسلامی، انقلابی و مدافع نظام، اجازه نمی‌دهند روحیه استکبارستیزی دانشجویان، دنبال نشود.

براتلو در پایان بر این نکته تاکید دوباره کرد که اگر چه در مورد ۱۶ آذر تبلیغات وسیعی در رسانه‌ها انجام شده، اما پیش‌بینی این است که مشکل خاصی پیش نخواهد آمد.

استاندار تهران: تمهیدات امنیتی برای ۱۶ آذر اتخاذ نشده است

* آنچه که در داخل دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها برگزار می‌شود، مسوولین آموزش عالی و روسای دانشگاه‌ها در مورد آن اقدام می‌کنند و آنچه که مربوط به خارج از دانشگاه است قطعاً باید از مجاری قانونی و فرمانداری تقاضای مجوز شود

استاندار تهران گفت: برای ۱۶ آذر تمهیدات امنیتی اتخاذ نشده است.

مرتضی تومن در حاشیه مراسم هفت علی کردن در جمع خبرنگاران در پاسخ به این پرسش که آیا از سوی گروه‌ها و جریان‌های سیاسی درخواست مجوزی برای برگزاری تجمع در روز ۱۶ آذر شده است، گفت: تاکنون رسماً درخواستی برای برگزاری تجمع نشده است.

آنچه که در داخل دانشکده‌ها و دانشگاه‌ها برگزار می‌شود، مسوولین آموزش عالی و روسای دانشگاه‌ها در مورد آن اقدام می‌کنند و آنچه که مربوط به خارج از دانشگاه است قطعاً باید از مجاری قانونی و فرمانداری تقاضای مجوز شود و تا این لحظه هیچ تقاضایی از سوی گروه‌ها و جریان‌ها نشده است.

برای برگزاری مراسم ۱۶ آذر در مکان‌های عمومی باید دلایلی از سوی گروه‌ها و جریان‌ها وجود داشته باشند که بتوانند مجوز اخذ کنند و اگر دلایل کافی باشد، ما بنا بر قانون عمل می‌کنیم.

جریان‌های فرصت‌طلب و رانده شده تلاش خواهند کرد مانند گذشته بر موج برنامه‌هایی که مردم و جریانات همراه با نظام انقلابی دارند سوار شده و خود را نشانده و ایجاد مزاحمت کنند که به آنها توصیه می‌کنم که خود را با مردم، انقلاب، نظام و رهبری تطبیق داده و اجازه دهند فضای جامعه فضای همدلی، اتحاد، کار و تلاش باشد و با ایجاد حاشیه‌سازی و با غوغاهای بی‌حاصل و با تمکین افرادی که خیر و صلاح انقلاب کشور را نمی‌خواهند، اجازه ندهند فضای کشور آسیب ببینند.

۱۶ آذر روز سید استکباری جنبش دانشجویی است. امروز هم می‌بینیم آمریکا از حیوانیت خود دست برداشته، به همین دلیل ما باید صفوف خود را مرتب کرده و در کنار دانشجویان عدالت‌خواه که خواهان عزت نظام هستند، بایستیم و بر سر آمریکا و زیاده‌خواهان فریاد بکشیم. شورای تأمین استان تمهیدات امنیتی برای ۱۶ آذر پیش‌بینی نکرده، مگر این که احساس کنیم برخی به دنبال سلب آسایش و امنیت مردم هستند.

در روز ۱۶ آذر تمهیدات امنیتی و اقداماتی که موجب ایجاد فضای امنیتی در شهر شود، لازم نمی‌بینیم و ما نیز در کنار صفوف دانشجویان، خون شهدا را پاس خواهیم داشت و امیدواریم هیچ اتفاقی هم نیفتاد که به این مراسم معنوی لطمه وارد شود.



راههای سبز

او سپس به توضیح این سیر امنیتی پرداخته است. محمدی در پایان نامه به احمدی نژاد نوشته در شرايطی که می‌تواند آزادانه بیاندهد و بنویسد و عقیده اش را به دور از شکنجه اعلام کند، باور دارد که کانون مدافعان حقوق بشر و شورای ملی صلح، نهاد های مدنی و قانونمند در کشور ایران هستند که کارنامه قابل قبولی در نزد ملت سرفراز ایران دارند و همکاری و خدمت به آنها افتخار بزرگی برایشان است.

او همچنین شیرین عبادی برنده جایزه نوبل را فردی ملی و زنی شجاع و بشر دوست دانسته که در راه تحقق صلح و حقوق بشر در جهان تلاش می‌کند. متن نامه نرگس محمدی به محمود احمدی نژاد که در هفتم آذرماه ۱۳۸۸ برای او ارسال شده، به شرح زیر است:

جناب آقای دکتر احمدی نژاد

با سلام و احترام

اینجانب نرگس محمدی، همسر تقی رحمانی و مادر دو فرزند خردسال سه ساله ام. اکنون در کانون مدافعان حقوق بشر که به شکل غیر قانونی دفتر آن بسته شده است و نیز در شورای ملی صلح فعالیت می‌کنم. از تاریخ ۱۳۸۸/۱/۱۷ نیز بعد از بسته شدن قله‌های مطبوعات، تا تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۸ در شرکت بازرسی مهندسی ایران در گروه‌های تخصصی بازرسی صنعتی و معدنی و بازرسی آسانسور با داشتن حکم استحضامی خدمت کرده ام و در تاریخ ۱۳۸۸/۸/۲۸ از محل کار اخراج شدم. این رزومه کوتاهی از زن ۳۶ ساله ایرانی است.

اما بد نیست بدانید که حکم اخراج من سیری امنیتی طی کرد تا بالاخره ابلاغ شد. در خرداد ماه ۱۳۸۷ و در هنگام بازگشتم از نشست کاری مدافعان حقوق بشر و مسئولان و کارشناسان سازمان ملل متحد در وین، وزرات اطلاعات دولت جنابعالی، من را احضار کرده مورد بازجویی قرار دادند. در تاریخ ۱۳۸۸/۲/۱۸ نیز که عازم گواتمالا برای شرکت در نشست زنان بومد، به شکل غیر قانونی ممنوع الخروج شدم. این در حالی است که محکومیتی نداشتم و حتی تا کنون به عنوان محکوم هم به دادگاه فرا خوانده نشده ام. به هر حال پاسپورت من توسط ماموران ریاست جمهوری مستقر در فرودگاه ضبط شد و من از آن تاریخ پاسپورت هم ندارم. به همین دلیل مجدداً در خدمت ماموران وزارت اطلاعات بودم و در این جلسه به صراحت از من خواسته شد که از شورای ملی صلح و کانون مدافعان حقوق بشر استعفا نمایم و تهدید شد که در غیر این صورت محرومیت‌های بیشتری در انتظارم خواهد بود.

در تاریخ 28 خرداد ماه یعنی شش روز بعد از انتخابات اخیر یکی از مامورینی که در جلسات حضور داشتند طی تماس تلفنی اظهار داشتند که چنانچه کوچکترین تحرکی داشته باشم و از تهران خارج نشوم به همراه هر دو فرزند کوچکم بازداشت خواهم شد. بعد از آن و در جلسه‌های دیگر ماموران وزارت اطلاعات به عنوان آخرین اخطار اعلام نمودند که در صورتیکه از کانون مدافعان حقوق بشر و شورای ملی صلح و هر گونه ارتباطی با خانم عبادی برنده جایزه صلح نوبل کناره گیری نکنم، از کار اخراج و بازداشت خواهم شد.

در شهریور ماه به دلیل قبولی در یک دوره آموزشی تخصصی کاری از وزارت اطلاعات خواستم تا پاسپورتم در اختیارم قرار گیرد که جواب دادند نظر وزارت نسبت به شما منفی است و نمی‌توانید در این دوره شرکت کنید مگر اینکه در مورد خواسته‌های ما تجدید نظر کنید.

و بالاخره در ۲۸/۸/۸۸ مدیر عامل شرکت اعلام کردند که از من خواسته شده تا شما را اخراج کنم و من شرعاً و اخلاقاً دلیل خواستم که از بالا گفتند تشخیص این قضیه با آنهاست. ایشان از من خواستند به عنوان آخرین فرصت با ماموران صحبت کنم تا از اخراج صرف نظر نمایند و به صراحت با جانبداری از من خواستند که از فعالیت‌هایم دست بردارم و خوب البته من هم نظراتم را گفتم و ایشان گفتند که موظف به اخراج من هستند.

بالاخره من همان روز و در ظرف یک ساعت از محل کار اخراج شدم. صحبت مدیر عامل با من از ساعت ۳ الی ۴:۱۵ انجام شد و جالب اینجاست که علی رغم حضور من در ۳۰/۸/۸۸ به اصرار مدیر عامل اخراج به تاریخ 2

رده ۴۵ جای داده شده است.

فارین پالیسی در توضیح خود درباره دکتر سروش نوشته است: "این استاد پیشین فلسفه دانشگاه تهران احتمالاً بیش از هر کس دیگری برای سازگار ساختن اسلام با دموکراسی کوشیده و تفسیر سنتی روحانیان حاکم بر ایران از اسلام را به چالش کشیده است".

هنگامه شهیدی : ۶ سال و سه ماه و یک روز

زندان

* تبلیغ علیه نظام ، تبانی و اجتماع و عضویت در تشکیلاتی که علیه امنیت کشور اقدام نموده است و توهین به رئیس‌جمهور از جمله اتهامات هنگامه شهیدی عنوان شده است

وکیل هنگامه شهیدی از صدور حکم شش سال و سه ماه و یک روز حبس تعزیری موکل خود خبر داد. محمد مصطفائی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا با اعلام این خبر، اظهار داشت: امروز برای پیگیری پرونده هنگامه شهیدی به شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب مراجعه کردم که مدیر دفتر شعبه حکم صادره علیه خانم شهیدی را به صورت حضوری ابلاغ نمود.

وی در بیان اتهامات شهیدی اظهار داشت: اقدام علیه امنیت کشور از طریق اجتماع و تبانی به قصد بر هم زدن امنیت کشور از طریق حضور در اغتشاشات مورخ شنبه ۲۳ تا ۲۷ خرداد ماه که موجب اختلال در نظم عبور و مرور شهروندان و اختلال ترافیکی در شهر و ایجاد بلوا و آشوب نیز بوده است.

وکیل شهیدی ادامه داد: فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق مصاحبه با شبکه ضد انقلاب بی‌بی‌سی در تاریخ ۲۳ خرداد و گزارش اغتشاش به شبکه مزبور و امضاء بیانیه‌های تبلیغی علیه نظام از جمله کمپین یک میلیون امضا، کمپین لغو فتن سنگسار، امضاء بیانیه‌های تهیه شده خطاب به شورای حقوق بشر سازمان ملل در خصوص نقض حقوق بشر در ایران و تبلیغ علیه نظام از طریق وبلاگ نویسی از جمله دیگر اتهام خانم شهیدی است.

مصطفائی توهین به ریاست جمهوری کشور را دیگر اتهام موکل خود اعلام کرد و برخی فعالیت‌های موکل خود و موارد اتهام وی را تشریح کرد

وی ادامه داد: به استناد مواد ۴۹۹، ۵۰۰،

۶۰۹، ۶۱۱، ۶۱۰ و ۴۷۰ قانون مجازات اسلامی موکل را با این عقیده که اختلال در نظم عمومی و اختلال در امنیت تعدد معنوی است که دادگاه مکلف است اشد مجازات را مورد

حکم قرار دهد، در خصوص تبلیغ علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به یک سال حبس تعزیری و بابت تبانی و اجتماع و عضویت در تشکیلاتی که علیه امنیت کشور اقدام نموده است به پنج سال حبس تعزیری و بابت توهین به رئیس‌جمهور به نود و یک روز حبس تعزیری (جمعاً به شش سال و سه ماه و یک روز حبس تعزیری) محکوم نمود. وکیل شهیدی در پایان تأکید کرد: در موعد قانونی بیست و نهم روز، اعتراض خود را به مرجع بالاتر یعنی محاکم تجدیدنظر استان تهران تقدیم خواهم نمود.

نرگس محمدی : اخراج از محل کار

نرگس محمدی، نایب رییس کانون مدافعان حقوق بشر در نامه‌ای به محمود احمدی نژاد، اعلام کرد که از محل کار خود اخراج شده است.

به گزارش سایت کانون مدافعان حقوق بشر، نرگس محمدی بیست و هشتم آبان ماه ۱۳۸۸ از شرکت بازرسی مهندسی ایران اخراج شده است. این فعال حقوق بشر که از سال ۱۳۸۰ در این شرکت مشغول به کار بوده است در نامه خود به احمدی نژاد نوشته که حکم اخراجش سیر امنیتی داشته است.

زنان ایران در راس اخبار

۷ زن ایرانی در صدر اخبار

جهان برای زنان ایران : جایزه؛ جمهوری

اسلامی: شکنجه و زندان

زنان ایرانی در صدر اخبار جهانند. نهادهای معتبر جهانی به شیرین عبادی نوبل صلح می‌دهند، جمهوری اسلامی آن رامصادره می‌کند. زهرا رهنورد سومین متفکر تأثیر گذار جهان شناخته می‌شود. پرونده قتل زهرا کاظمی توسط سعید امامی بار دیگر گشوده می‌شود. ماموران امنیتی شبنم مدد زاده را می‌ربایند. نرگس محمدی حکم اخراج از کار می‌گیرد و هنگامه شهیدی رابه شش سال زندان محکوم می‌کنند. مهرنوش اعتمادی هم در اصفهان دستگیر می‌شود.

فهرست صد نفره "فارین پالیسی" برای سال ۲۰۰۹

منتشر شد

زهرا رهنورد، سومین متفکر تأثیرگذار جهان

زهرا رهنورد از سوی مجله بین‌المللی "فارین پالیسی" به عنوان سومین متفکر تأثیرگذار جهان در سال 2009 برگزیده شد.

این مجله مشهور آمریکایی در شماره ماه دسامبر خود فهرست صد متفکر تأثیرگذار جهان در سال 2009 را منتشر کرد که نام خانم رهنورد پس از بن برنانکی، رئیس بانک مرکزی ایالات متحده و باراک اوباما رئیس جمهوری آمریکا در رتبه سوم قرار دارد.

مجله فارین پالیسی توسط موسسه واشینگتن پست در آمریکا منتشر می‌شود. این مجله در سال ۱۹۷۰ توسط ساموئل هانتینگتون و وارن مدیان مانشل تاسیس شد.

رتبه سوم برای خانم رهنورد از آنجا اهمیت می‌یابد که بسیاری از چهره های سرشناس دنیا در رده های بعدی انتخاب فارین پالیسی قرار گرفته اند. به عنوان نمونه، بیل کلینتون در رده ششم، بیل گیتس در رده نوادهم، و اتسلاو هاول در رده بیست و سوم، آنگ سن سوچی (رهبر

مخالفان برمه و برنده جایزه صلح نوبل) در رده بیست و ششم و کوفی عنان در رده سیام این فهرست قرار دارند. مجله فارین پالیسی، از خانم رهنورد به عنوان "مغز متفکر انقلاب سبز ایران" یاد کرده و با انتشار تصویری از او در کنار صد متفکر تأثیرگذار جهان، نقش وی در هدایت مبارزات انتخاباتی همسرش، میرحسین موسوی را برجسته دانسته است.

این مجله از خانم رهنورد به اتفاق 99 متفکر برجسته دیگر به عنوان متفکرانی نامبرده که با افکار خود جهان را در سال ۲۰۰۹ میلادی شکل داده‌اند.

فارین پالیسی، به مبارزات زهرا رهنورد و میرحسین موسوی قبل و بعد از انقلاب 57 اشاره کرده و سپس به ریاست خانم رهنورد در دانشگاه الزهرا و دعوت او از شیرین عبادی، برنده جایزه صلح نوبل برای سخنرانی در این دانشگاه پرداخته و این مساله را در راستای تلاش‌هایش برای حقوق زنان در ایران ارزیابی کرده است.

زیر سوال بردن مدرک تحصیلی خانم رهنورد از سوی محمود احمدی نژاد در مناظره با میرحسین موسوی و شیوه واکنش خانم رهنورد به این موضوع از دیگر مواردی است که مجله مذکور بدان اشاره کرده است.

این مجله تأکید کرده است که "حملات رهنورد به احمدی‌نژاد جان تازه‌ای به اپوزیسیون و مخالفان دولت بخشید".

این ماهنامه آمریکایی در بخش دیگری از گزارش خود درباره زهرا رهنورد با اشاره به نقش برجسته وی در مبارزات انتخاباتی میرحسین موسوی آورده است: "روی کار آمدن موسوی می‌توانست به تقویت دموکراسی و حقوق زنان در ایران منجر شود".

عبدالکریم سروش، دومین ایرانی است که نامش در این فهرست به چشم می‌خورد. نام او از سوی فارین پالیسی در

راههای سبز



روز قبل صادر شد.
در سطور فوق سعی کردم مختصراً شرح وضعیتی از خود ارائه کنم و اکنون می‌خواهم آنچه را می‌پردازم بازگو نمایم. به یاد دارم زمانی که به عنوان رییس جمهور بعد از دوران اصلاحات بر سر کار آمدم از مهرورزی و آوردن بهره نفت کشور بر سر سفره‌های ایرانیان سخن گفتید و مهرورزی مرام بزرگان است، اما آنچه این روزهای تلخ شاهدیم امر خلاف آن یعنی کینه ورزی و خشونت ورزی در اشکال عریانی و بی‌بجه است.

قطعاً کسانی که از سال‌ها قبل از کار و از تحصیل محروم شده‌اند کم نیستند و من قطره‌ای در این دریای طوفان زده از ظلم و جورم. زنان و مردانی که به دلیل داشتن تفکری مخالف و با حتی متفاوت از حکومت محرومیت‌های سنگینی را متحمل شده و خود و خانواده‌هایشان قربانیان این خشونت بی حد و مرز شده‌اند. از این حیث باید زبان در کام کنم و شرم نمایم تا از آنچه بر خود رفته سخن گویم اما از این حیث که باید از حقوق اساسی مان بگویم و بنویسیم و سکوت نکنیم تا روزی در این سرزمین بلاکش نیز حق داشتن کار و حق تحصیل جزء حقوق انسانی به شمار آید نه امتیاز و وسیله‌ای برای تهدید انسانها توسط حکومت‌ها باید گفت و نوشت.

و از این منظر به خود اجازه دادم تا بگویم به کدامین گناه فرزندان خردسال من باید قربانیان کینه ورزی این دولت قرار گیرند؟

پدر این کودک ۱۵ سال زندان این حکومت را تحمل کرده و هنوز یک فعال مدنی و سیاسی و قانونمند است. او که در آغازین سال‌های جمهوری اسلامی به دلیل بازداشت‌های متوالی محروم از تحصیل در رشته تاریخ در دانشگاه تبریز شد، به دلیل زندان‌های طولانی هرگز موفق به اشتغال نشد و عملاً همواره از داشتن شغل محروم بود. شاید گفتن از چنین وضعیتی سخت نباشد، اما اینگونه زیستن و از هر حقی در این سرزمین بی سامان محروم بودن بسیار دشوار است.

و اما من، فردی که در هیچ دادگاهی مجرم شناخته نشدم و فقط و فقط یک فعال حقوق بشر و صلح طلبم، اکنون باید به خواست وزارت اطلاعات که باید حافظ امنیت ما شهروندان باشد، قدم در راه محرومیت‌های متوالی گذارم. آیا فعالیت حقوق بشری و تلاش برای صلح گناهی نابخشودنی است که حتی حق داشتن نانی برای خوردن هم نباید داشته باشیم؟

آیا حکومتی که مدعی حکومت علی است می‌داند که علی هرگز حق هیچ مخالفی را از بیت المال قطع نکرد؟ این در حالی است که فعالیت من در حوزه حقوق بشر است که تلاش ما در کانون بر این مبناست که وضعیت حقوق بشر در ایران را در حد توان خود بهبود بخشیم و نیک مستحضرید که مصلحان در هر جامعه‌ای مورد تکریم و تحسین‌اند نه مستوجب تحقیر و تهدید.

آیا فعالیت ما در کانون برای التیام اندکی از آلام خانواده‌های مظلوم زندانیان، این چنین خشونت حکومت را موجب شده یا تلاش ما برای تحقق صلح و مقابله با هر خشونت در شورای ملی صلح این چنین بر صاحبان قدرت گران آمده است؟

حال سوال اینجاست که که مهرورزی شما که وعده بیش از ۴ سالتان است شامل چه کسانی میشود؟ آیا فقط شامل مدار بسته حلقه زده بر گردن است و لا غیر؟

آیا تصور نمی‌کنید که این رفتار با هموطنان خود از هر گروه و مرامی که باشند، ظلمی بزرگ و نابخشودنی در نزد ملت بزرگ ایران و تاریخ این سرزمین خواهد بود؟ آیا بریدن نان از گلو کودکان معصوم و بی گناه ما نمائشی از مهرورزی این دولت و سندی برای اثبات حکومت علی وار این نظام است؟

آیا درآمد باد آورده نفت فقط متعلق به آقازاده‌ها و نورچشمی‌های حکومت است و سایر کودکان جامعه سهمی از آن ندارند؟ حتی کودکان مادران و پدرانی که سال‌ها به این جامعه خدمت کرده‌اند و از طریق کار و تلاش در گوشه‌ای از این مرز و بوم به رشد، پیشرفت و آبادانی کشور یاری می‌رسانند؟

این حقیر 8 سال در عرصه بازرسی مهندسی صنعت در ایران و در پروژه‌های ملی چون پارس جنوبی در حد توان تلاش و خدمت کردم که تقدیر نامه‌های این خدمات نیز در پروده ام محفوظ است، اما چون اوامر وزارت اطلاعات دولت جنابعالی را نپذیرفتم، علی رغم رضایت مدیر بازرسی از عملکرد حرفه ایم طرف یک ساعت اخراج شدم. حتی یک ماه هم به من فرصت داده نشد تا حداقل به دنبال کاری دیگر باشم.

آیا تصور نمی‌کنید که چنین رفتاری با هموطنان نه فقط خارج از قواعد قانونی بلکه به دور از جوانمردی، اخلاق و انسانیت است و حال آنکه ایرانیان به جوانمرد و شرافتمندی شهره اند؟

در خاتمه در شرایطی که می‌توانم آزادانه بیان‌دیشم و بنویسم و عقیده ام را به دور از شکنجه اعلام نمایم و البته ملاک هم فقط همین است و بس، باور دارم که کانون مدافعان حقوق بشر و شورای ملی صلح، نهاد‌های مدنی و قانونمند در کشور ایران هستند که کارنامه قابل قبولی در نزد ملت سرفراز ایران دارند و همکاری و خدمت به آنها افتخار بزرگی برایم می‌باشد. همچنین خانم عبادی برنده جایزه نوبل فردی ملی و زنی شجاع و بشر دوست است که در راه تحقق صلح و حقوق بشر در جهان تلاش می‌کند و همکاری با صلح طلبان جهان نه تنها امری مذموم نیست که امری با ارزش است و صلح و حقوق بشر در مقابل جنگ و خشونت از آرمان‌های بزرگ تاریخ بشریت است که قطعاً بیشتر تلاش خواهد نمود.

ماجرای ربودن امنیتی شبنم مدد زاده

به گزارش واحد زندانیان مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران، شبنم مددزاده (متولد 1366) عضو شورای مرکزی انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم تهران و نایب دبیر شورای تهران دفتر تحکیم وحدت است که در تاریخ یکم اسفند ماه 1387، در حالی که عازم جلسه‌ی شورای تهران دفتر تحکیم بودند به شکلی نامتعارف و بدون حکم قضایی بازداشت شدند.

زمانی که شبنم عازم مترو گلشهر بوده، دو اتوموبیل شخصی تاکسی حامل وی را متوقف می‌کنند و بدون نشان دادن هیچ گونه مدرک شناسایی یا حکم قضایی در برابر انتظار عمومی وی را با اجبار با خود می‌برند و به کلانتری رجایی شهر کرج منتقل می‌کنند. در آنجا از وی به خاطر آن چه شرکت در یک میهمانی نامتعارف خوانده می‌شود و یک قتل صورت گرفته در مهمانی مذکور تا حوالی ظهر بازجویی به عمل می‌آید. سپس از وی می‌خواهند که با پدر یا برادرش تماس بگیرد. پس از تماس با برادرش، فرزاده، وی نیز به کلانتری مراجعه می‌کند که از همان جا هر دو را به زندان اوین منتقل می‌کنند.

پس از گذشت سه روز بی خبری مطلق، ظهر روز شنبه، فردی که خود را مامور دادگاه انقلاب معرفی می‌کند، پس از حضور در حراست دانشگاه تربیت معلم، از انتقال شبنم به زندان اوین و ارجاع پرونده اش به دادگاه انقلاب تهران خبر می‌دهد و به خانواده و اعضای انجمن اسلامی دانشگاه خاطرنشان می‌کند که خانم مددزاده پس از طی مراحل معمول آزاد خواهد شد و جای نگرانی وجود ندارد.

در سیزدهم اسفند ماه هشتاد و هفت، جمشیدی، سخنگوی قوه قضاییه در یک نشست مطبوعاتی اتهام شبنم مددزاده را ارتباط با سازمان مجاهدین خلق عنوان می‌کند. دادگاه انقلاب از ارائه‌ی هرگونه پاسخی به خانواده‌ی مددزاده در رابطه با این مسئله امتناع می‌ورزد. سرانجام شبنم در 19 ام اسفند ماه پس از نوزده روز بی خبری مطلق از وضعیت خود، در تماسی تلفنی به مدت یک دقیقه خبر از سلامت خود می‌دهد.

تا پانزدهم اردیبهشت ماه شبنم تنها چهار تماس تلفنی با خانواده‌ی خود داشت. وی هفتاد و یک روز در سلول انفرادی بند 209 اوین به سر برد. در اواخر اردیبهشت ماه بازپرس شعبه 3 امنیت داسرای انقلاب تهران با آزادی شبنم با قرار کفالت موافقت کرد که این امر با مخالفت شدید معاونت امنیت داستان روبرو شد.

پرونده جهت دادرسی به شعبه‌ی 28 دادگاه انقلاب تهران ارجاع شد. اتهامات محاربه و تبلیغ علیه نظام عنوان شد و 22 تیرماه جهت برگزاری دادگاه تعیین وقت شد. جلسه‌ی دادرسی به خاطر اهمال مدیر دفتر شعبه 28 جهت احضار متهمین از زندان به تعویق افتاد و به 23 شهریور ماه موکول شد. در تاریخ مذکور هم به دلیل آنچه کمیوند مدعی العموم خوانده شد از برگزاری جلسه‌ی محاکمه ممانعت به عمل آمد و به 18 ام مهرماه موکول گردید.

در جلسه‌ی 18 ام مهرماه که بدون حضور نماینده دادستان برگزار شد به وکیل شبنم و فرزند هم اجازه‌ی دفاع از موکلینش داده نشد. در این جلسه که با هتاک و ناسزاگویی قضایی مقیسه‌ای، ریاست شعبه 28 آغاز شد پس از آنکه متهمین اتهامات وارده را رد کردند، قاضی برگزاری جلسه را منوط به حضور کارشناس وزارت اطلاعات کرد و برگزاری این جلسه به 14 آذر ماه موکول شد.

در هفته‌ی اول مهرماه شبنم از بند امنیتی 209 به قرنطینه‌ی بند نسوان زندان اوین، موسوم به متادون منتقل شد، بندی که از نظر بهداشتی یکی از نامناسب‌ترین بندهای زندان اوین به شمار می‌آید. وی در آنجا چندین بار به بیماری‌های داخلی مبتلا شد. در اواخر مهرماه، شبنم به بند نسوان (بند عمومی ویژه زنان) منتقل شد و تا به امروز در آنجا نگهداری می‌شود. بندی که در آن اصل تفکیک زندانیان بر اساس جرائمشان رعایت نمی‌شود و موجب شده تا شبنم در کنار مجرمینی خطرناک با اتهامات و جرائم مختلف به سر برد.

وی در زندان علاوه بر بیماری‌های داخلی به ناراحتی قلبی هم دچار شده است و حدود یک ماه است که در بدترین شرایط جسمانی به سر می‌برد. این امر با اعتراض شدید وی روبرو شده است که متأسفانه تاکنون پاسخی به آن داده نشده. پس از دو حمله‌ی قلبی، وی به بهداری زندان مراجعه کرده اما مسئولین از رسیدگی به وضعیت وی سر باز زده‌اند. وضعیت وخیم جسمی بر وضعیت روحی وی نیز تأثیر گذاشته و از نظر روحی نیز در شرایط به شدت نگران کننده‌ی بی‌سر می‌برد.

تا به امروز یعنی هشتاد و هشت آذر ماه، 284 روز از بازداشت موقت شبنم مددزاده می‌گذرد. تداوم بازداشت بارها با اعتراض وی و وکیلش مواجه شده است اما ریاست شعبه هر بار به دلیل آن چه وی احتمال فرار و تبانی متهمین عنوان می‌کند از تبدیل قرار با قرار متناسب با اتهام سر باز می‌زند. این درحالی است که در آخرین لایحه‌ای که توسط وکیل شبنم به شعبه داده شد، به مستندات اشاره شده بود که احتمال فرار و تبانی متهم را عملاً منقذی می‌کرد. اما ریاست شعبه بدون هیچ گونه توجیهی به لایحه ارائه شده با منافع خواند مددزاده‌ها از تبدیل قرار ممانعت به عمل آورد. که این امر نیز با اصل بی طرفی قضایی و اصل را بر مبری دانستن متهم پیش از محاکمه در تضاد است. گفته می‌شود که قاضی مقیسه‌ای، معروف به ناصریان، که ریاست شعبه 28 دادگاه انقلاب را بر عهده دارد در تابستان سال 67 عضو کمیته‌ای بوده که اعدام‌های گسترده‌ی آن دوره را به عهده داشته است.

مهرنوش اعتمادی:

دستگیری بعد از چند بار تهدید

مهرنوش اعتمادی، از فعالان کمپین یک میلیون امضا در منزل پدری خود بازداشت شد. ماموران با در دست داشتن حکم جلب و حکم تفتیش منزل که به امضا دادستانی اصفهان رسیده بود، اعتمادی را بازداشت کردند. در تفتیش منزل این فعال حقوق زنان، تعدادی کتاب، جزوات آموزشی و کیس کامپیوتر نیز ضبط شده است. اعتمادی پیش از این بارها به وسیله تلفن احضار و تهدید شده بود و همواره از مسئولان درخواست احضار به کتبی کرده بود. یکی از اعضا خانواده او که



راههای سبز

بعد از روحانیون دولتی

مدرسين سپاهی به مدارس می روند

سلام: وظیفه این طرح در سطح مدارس " آگاه ساختن دانش آموزان از فتنه‌های دشمن برای نابودی انقلاب اسلامی است"، "کارشناسان تربیت سیاسی آموزش و پرورش علاوه بر این وظیفه باید راه درست مقابله با تهاجم فرهنگی که بگ خطر جدی برای دانش آموزان است را به آنان آموزش دهند."

هنوز پس لرزه‌های حمایت‌های دانش آموزان از جنبش سبز در بدنه وزارت آموزش و پرورش وجود دارد و مدیران این نهاد مسول تعلیم و تربیت فرزندان مردم درصددند تا به هر نحو ممکن بر عقیده و فکر و تصمیم‌گیری‌های سیاسی دانش آموزان نیز اعمال نفوذ کنند و این بار در طرحی تازه تصمیم به ارائه‌اندازی بخشی با نام "مدرسان تربیت سیاسی" در مدارس گرفته‌اند. به گزارش پایگاه خبری سلام، در انتخابات 22 خرداد امسال یکی از نکات قابل توجه حمایت بخش قابل توجهی از دانش آموزان مقاطع متوسطه و دبیرستان از نامزدهای اصلاح طلب بود و حتی دانش آموزانی که حق رای در انتخابات را هم نداشته به نحوی خود را با جنبش سبز به راه افتاده هم شکل می کردند، با آغاز به کار مدارس و با گذشت 3 ماه از

انتخابات و وقایع پس از آن شور جنبش سبز همچنان در میان دانش آموزان پایان نگرفته بود و این بار آنان بودند که خبر ساز شدند و در انتخابات های داخلی مدارس خبرها یکی پس از دیگری منتشر شد که میرحسین موسوی در فلان مدرسه در فلان شهر انتخاب شده و دامنه این انتخاب بقدری گسترده شد که در نهایت بیشتر مدارس از اعلام نتایج انتخابات های داخلی خود سر باز زدند تا نام نامزد معترض به نتایج انتخابات ریاست جمهوری از صندوق های مدارس خارج نشود. شاید بتوان گفت که اینها جرقه هایی بودند که مسولان آموزش پرورش را به راه اندازی بخش "تربیت سیاسی" در مدارس سوق داد و درصدد آموزش مربیانی برای این امر شدند، معاون فرهنگی، هنری دفتر فضا سازی قرآنی و گسترش نماز و عزت آموزش و پرورش در خصوص این مسئله به خبرگزاری فارس گفته است که حدود 4 هزار مربی تربیت سیاسی برای حضور در مدارس و آموزش به دانش آموزان دوره دیده و فعالیت خواهند کرد. زهرا پناهی روا معاون فرهنگی، هنری دفتر فضا سازی قرآنی و گسترش نماز و عزت در همایش کارشناسان امور سیاسی معاونت پرورشی و تربیت بدنی کل کشور در اردوگاه شهید باهنر تهران در خصوص این طرح جدید می گوید: "کارشناسان تربیت سیاسی آموزش و پرورش فعالیت های فرهنگی شایسته ای را در راستای مقابله با تهدیدهایی که از طرف بیگانگان، دانش آموزان را تهدید می کند، انجام داده اند."

وی وظیفه این طرح را در سطح مدارس " آگاه ساختن دانش آموزان از فتنه های دشمن برای نابودی انقلاب اسلامی است" و اضافه کرده است "کارشناسان تربیت سیاسی آموزش و پرورش علاوه بر این وظیفه باید راه درست مقابله با تهاجم فرهنگی که بگ خطر جدی برای دانش آموزان است را به آنان آموزش دهند". این اولین باری نیست که در دولت محمود احمدی نژاد وزارت آموزش و پرورش سعی می کند با استفاده از ابزارهای اینچنینی سعی در تاثیر گذاری بر دانش آموزان را می گیرد. در دولت دوم سیدمحمد خاتمی و در دوران وزارت مرتضی حاجی وی با استناد اینکه معاونت پرورشی اصولا کارکردی در مدارس ندارد اقدام به حذف این معاونت که بیشتر به کارهای عقیدتی و تحت فشار قرار دادن دانش آموزان برای انجام امور عقیدتی در مدارس اقدام کرد، اما با روی کار آمدن دولت نهم وزیر آموزش و پرورش محمود احمدی نژاد در اولین اقدام خود اقدام به احیای این معاونت با عنوانی جدید به نام "معاونت پرورشی و تربیت بدنی" نمود که امروزه پس از گذشت 4 سال دقیقا همان کارکرد معاونت پرورشی در گذشته را اجرا می کند. شنیده شده است که مدرسان سیاسی از میان نظامیان سپاه پاسداران است که به مدارس اعزام می شوند.

اساس قوانین نظامی کشور هر کسی که به یک پایگاه نظامی برای تسخیر و غارت سلاح های آن حمله کند باید به او شلیک کرد."

عبدالله عراقی که در آن زمان هیچ اشاره ای به نقش افراد "نفوذی" در بسیج که در شلیک به مردم نقش داشته باشند نکرده و به صراحت از انجام شلیک ها توسط پرسنل بسیج و به دستور شخص خود خبر داده بود.

عبدالله عراقی فرمانده پیشین سپاه تهران، پیش از آن هم در اظهار نظری متفاوت مدعی کشته شدن مردم توسط "اعتشاشگران" شده بود، لقبی که فرماندهان سپاه در اشاره به تظاهرکنندگان معترض از آن استفاده می کردند.

تقدیر رهبر از بسیج برای سرکوب

ادعاهای حسین همدانی و عبدالله عراقی در رفع مسوولیت از نیروهای خود در خشونت های پس از انتخابات در شرایطی بیان شده اند که نقش سپاه و بسیج در این خشونت ها، بارها از سوی افراد موافق آنها مورد تایید قرار گرفته است، چنانکه روز شنبه هفته جاری محمد علی جعفری در این باره گفت: "با حضور بسیجیان پشت سر مقام عظمای ولایت تمام این وطنها و دسیسه های اخیر خنثی شد، اما اگر بسیج نبود معلوم نبود چه وضعیتی داشتیم و شاید فتنه گران به اهداف خود می رسیدند."

سردار جعفری پیش از آن یادآوری کرده بود که آیت الله خامنه ای از نقش سپاه و بسیج در سرکوب اعتراضات مردمی تشکر کرده است. رهبر جمهوری اسلامی همچنین در حکم جابجایی حسن طائب از فرماندهی بسیج به معاونت اطلاعات سپاه، از وی به خاطر نقش نیروهای تحت امرش در سرکوب اعتراضات پس از انتخابات تشکر کرده بود.

آیت الله خامنه ای، در 29 خرداد در نخستین واکنش علنی به اعتراضات مردمی نسبت به انتخابات ریاست جمهوری، با تهدید کاندیدهای معترض آنها را "مسول خونریزی های" پیش رو دانست و درست یک روز بعد از آن بود که خونین ترین سرکوب معترضان در 30 خرداد 1388 به وقوع پیوست.

مدتی پس از شروع سرکوب ها، علیرضا حسینی بهشتی نماینده میرحسین موسوی در کمیته پیگیری آسیب دیدگان حوادث پس از انتخابات اعلام کرد که فهرستی شامل نام 69 نفر از کسانی که در اعتراض های پس از انتخابات کشته شده اند را به مجلس ارائه کرده است.

وی همچنین تاکید کرد که "بسیاری از خانواده کشته شدگان، بازداشت شدگان، مفقودین و آسیب دیدگان حوادث اخیر به دلیل احتیاط و ترس شکایت خود درباره فرزندان و اعضای خانواده خود را پیگیری نمی کنند منبع: بهرام ربیعی - روز آن لاین

جمعه ۱۳ آذر امامزاده طاهر

یادبود یازدهمین سالگرد قتل محمد

مختاری و محمد جعفر پوینده

یازدهمین سالگرد قتل محمد مختاری و محمد جعفر پوینده، دو نویسنده آزادیخواه و عضو برجسته کانون نویسندگان ایران، روز جمعه سیزدهم آذر در امام زاده طاهر کرج برگزار می شود.

ما خانواده های مختاری و پوینده از همه آزادیخواهان و فرهنگ دوستان دعوت می کنیم که با شرکت خود در این مراسم ما را در یازدهمین سالگرد خاموشی عزیزانمان همراهی کنند.

خانواده های مختاری و پوینده

مکان: امام زاده طاهر کرج

زمان: جمعه، ۱۳ آذر ۱۳۸۸، ساعت ۱۴ تا ۱۶

امروز به دادستانی مراجعه کرده به تغییر برای برابری گفت: هیچ جواب مشخصی به من ندادند و گفتند ما هنوز پرونده ای از وی در دست نداریم. اعتمادی سال ها در زمینه حقوق زنان و به ویژه مبارزه با خشونت علیه زنان در ایران فعالیت داشته و فعالیت خود در کمپین یک میلیون امضا را نیز از روزهای نخست آغاز کرده است.

عصر امروز او در تماسی تلفنی با منزل از انتقال خود به زندان دستگرد اصفهان خبر داد. از آغاز به کار کمپین یک میلیون امضا در 5 شهریور 1385 تا کنون 50 نفر از اعضای کمپین یک میلیون امضا بازداشت شده اند. 3 نفر بدون بازداشت به دادگاه فرخوانده شده اند و نزدیک به 15 نفر احضار و مورد بازجویی قرار گرفته اند.

اظهارات متناقض فرماندهان سپاه درباره کشتار مردم

ما نکشیم، نفوذی ها کشتند!



در حالی که تاکنون فرماندهان سپاه پاسداران درباره نقش بسیج در سرکوب اعتراضات پس از کودتای انتخاباتی اظهارات متناقضی را مطرح کرده اند، روز گذشته حسین همدانی فرمانده تازه منصوب شده سپاه محمد رسول الله (ص) تهران در اظهاراتی جدید از نقش داشتن برخی افراد "نفوذی" در بسیج در تیراندازی به مردم خبرداد و اعلام کرد که "12 نفر" در این رابطه دستگیر شده اند.

حسین همدانی در این رابطه به خبرگزاری مهر گفت: "تعداد 12 نفر که با کاور بسیج در قالب بسیجی خود را معرفی کرده بودند دستگیر شده اند که پرونده آنها در مراجع قضایی در حال پیگیری است."

فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران در ادامه این اظهارات درباره تیراندازی های صورت گرفته از سوی بسیج به مردم که از داخل یک پایگاه بسیج صورت گرفته بود، افزود: "آنچه که مسلم است برخی افراد در قالب عوامل نفوذی در این خصوص دخیل بوده اند که پرونده آنها در محاکم قضایی در حال بررسی است." این فرمانده سپاه پاسداران بدون هیچ گونه توضیح بیشتری در این باره مدعی شد: "طبق بررسی های صورت گرفته این افراد نفوذی نه بسیجی و نه طرفدار کاندیداهای مطرح در انتخابات ریاست جمهوری بوده اند، بلکه همان افرادی بوده اند که پرونده آنها در دادگاه انقلاب در حال بررسی است."

حسین همدانی همچنین اظهار داشت: "در این ایام اگر فردی در قالب سازمان بسیج دست به تخلفی زده باشد و فرمانده وی نیز او را کنترل نکرده باشد، هم فرمانده و هم شخص متخلف بازخواست خواهند شد."

این اظهارات حسین همدانی در حالی منتشر می شود که اواخر مردادماه عبدالله عراقی فرمانده قبلی سپاه محمد رسول الله تهران در گفت و گویی با روزنامه کیهان درباره شلیک مستقیم نیروهای بسیج به مردم معترض گفته بود که "من به نیروهای پایگاه 117 بسیج در خیابان آزادی دستور می دادم."

عبدالله عراقی همچنین در توضیح این ماجرا به روزنامه کیهان گفته بود: "تلفنی به فرمانده پایگاه بسیج دستور می دادم، نیروهای ما، آن جا ابتدا برای متوقف کردن مردم 300 گلوله مشقی شلیک کردند اما متأسفانه برخی از معترضان با وجود فریاد فرمانده بسیج که می گوید این جا پایگاه نظامی است به سمت اسلحه خانه هجوم آوردند که دو نفر کشته شد."

فرمانده پیشین سپاه تهران همچنین با شرح جزئیات گزارش شده به او تصریح کرده بود که "یکی از اعتشاشگران از دکل مخابرات بالا آمد تا به اسلحه خانه حمله کند، اما بر



سازمان ملل ارجاع دادند. شورای امنیت تا کنون با تصویب قطعنامه‌هایی، یک رشته تحریم‌های بین‌المللی را علیه ایران به اجرا گذاشته است و در حالیکه کشورهای غربی از وضع تحریم‌های جدی‌تر علیه ایران حمایت می‌کنند، تا کنون روسیه و چین، که از اعضای دائم و دارای حق وتو در شورای امنیت هستند، با چنین اقدامی مخالفت ورزیده و خواستار تلاش برای حل و فصل این مسأله از راه مذاکره شده بودند.

با اینهمه، مقامات این دو کشور، به خصوص روسیه، در هفته‌های اخیر از ایران قاطعانه خواسته بودند تا به پیشنهاد آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در مورد معاضه اورانیوم غنی شده در داخل با سوخت راکتور تحقیقاتی ایران عمل کنند.

تاخیر جمهوری اسلامی در قبول این پیشنهاد باعث ابراز این نظر از سوی برخی منتقدان برنامه‌های هسته‌ای این کشور شده بود که هدف اصلی مقامات ایرانی از وعده بررسی پیشنهاد آژانس وقت کشتی است با این هدف که برنامه‌های اتمی خود را در مغایرت با قطعنامه‌های شورای امنیت همچنان ادامه دهند.

به گفته ناظران، واکنش تند ایران به قطعنامه اخیر شورای حکام می‌تواند باعث تقویت موضع کسانی شود که از سختگیری بیشتر در برخورد با برنامه‌های اتمی این کشور حمایت کرده‌اند که از آن جمله می‌توان مخالفان سیاست باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا، در نرشم بیشتر در برخورد با ایران را نام برد هر چند این احتمال وجود دارد که تصمیم دولت ایران به تأسیس ده مرکز غنی‌سازی بیش از آنکه جنبه عملی داشته باشد، دارای جنبه تبلیغاتی و سیاسی بوده است.

مشخص نیست که آیا ایران امکانات فنی و تولیدی مناسب برای احداث و تجهیز این تعداد مرکز غنی‌سازی را در خلال چند سال آینده دارد و آیا می‌تواند به مواد اولیه لازم برای فرآوری و تبدیل آنها به اورانیوم غنی شده دسترسی داشته باشد.

در خلال چند سال اخیر، رهبران جمهوری اسلامی موفقیت در غنی‌سازی مقادیری اورانیوم را به عنوان یکی از دستاوردهای مهم خود و گامی اساسی در پیشرفت کشور معرفی کرده‌اند و به نظر می‌رسد که با واکنش شدید به قطعنامه اخیر شورای حکام، در نظر دارند بر اهمیت دفاع از این دستاورد تأکید گذارند.



تأسیس ده مرکز غنی‌سازی اورانیوم به دستور دولت

حکومت ایران امروز یکشنبه اعلام کرد که در دو ماه آینده ساختمان ده مرکز جدید غنی‌سازی اورانیوم را در حد تأسیسات نطنز آغاز می‌کند.

دولت دهم به سازمان انرژی اتمی ایران دستور داده تا کار ساختمان پنج مرکز غنی‌سازی اورانیوم را آغاز کرده و همزمان محل‌های احداث پنج مرکز مشابه دیگر را جستجو کند.

محمود احمدی نژاد رئیس جمهوری ایران اظهار داشت که کشورش باید تولید دویست و پنجاه تا سیصد تن سوخت اتمی را در سال مد نظر قرار دهد.

قرار است جلسه چهارشنبه آینده هیئت دولت نیز امکان تولید اورانیوم غنی شده تا سطح بیست درصد را مورد بررسی قرار دهد.

این موضع‌گیری‌ها و اقدام‌ها واکنشی است به درخواست مجلس ایران که از دولت خواسته است کاهش همکاری ایران را با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی بررسی کرده و طرحی نیز به همین منظور به مجلس ارائه دهد. در پی تصویب قطعنامه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، نماینده این کشور در آژانس، علی اصغر سلطانی، گفته بود که جمهوری اسلامی همکاری‌اش را با آژانس به حداقل می‌رساند.

انتقاد لاریجانی

پیش‌نویس قطعنامه محکومیت ایران به خاطر فعالیت مخفیانه در ساخت یک مرکز جدید غنی‌سازی اورانیوم در فردو، نزدیک قم، توسط کشور‌های گروه 5+1 شامل آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان تهیه و به جلسه شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ارائه شده بود.

این قطعنامه با رای مثبت بیست و پنج کشور از سی و پنج کشور عضو شورای حکام به تصویب رسید در حالیکه سه کشور به آن رای منفی و شش کشور رای ممتنع دادند.

اعضای شورا در حال حاضر عبارتند از آمریکا، روسیه، بریتانیا، فرانسه، چین و آذربایجان، آرژانتین، آفریقای جنوبی، آلمان، اسپانیا، استرالیا، افغانستان، اوروگونه، اوکراین، برزیل، بوریکنافاسو، پاکستان، پرو، ترکیه، دانمارک، رومانی، زلاندنو، ژاپن، سوئیس، فرانسه، کانادا، کره جنوبی، کنیا، کوبا، مالزی (رئیس دوره‌ای شورا)، مصر، مغولستان، هلند، هند و ونزوئلا.

پیش از رای‌گیری در مورد این قطعنامه، برخی مقامات ایرانی گفته بودند که آن دسته از اعضای شورا که در جنبش غیر متعهدانه نیز عضویت دارند از سیاست هسته‌ای ایران حمایت خواهند کرد اما در پی صدور این قطعنامه، شماری از مقامات دولتی ایران ساختار شورای حکام را مورد انتقاد قرار داده و با متهم ساختن کشورهای غربی به اعمال نفوذ در تصمیم‌گیری‌های شورا، خواستار تغییر این ساختار شدند.

همچنین، آقای لاریجانی، که زمانی سرپرست مذاکرات هسته‌ای جمهوری اسلامی بود، در یک نشست خبری در روز دوشنبه، تصویب قطعنامه اخیر شورای حکام را که با مشارکت روسیه و چین تهیه شده و به تصویب اکثریت اعضای شورای حکام رسیده است، به «ماجرای جوی کشورهای غربی» نسبت داد.

رئیس مجلس گفت «متأسفانه غربی‌ها و آژانس با رفتار خود این گرا را به کسانی که می‌خواهند دنبال فعالیت هسته‌ای برون‌داده است که در پی آژانس و ان پی تی [پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای] نباشند».

علی لاریجانی ظاهراً در اشاره به اعلام تصمیم دولت ایران به ساخت مراکز جدید غنی‌سازی، کشورهای مخالف برنامه‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی را به تلاش برای جلوگیری از ادامه این برنامه‌ها متهم ساخت و گفت «آنها تصور می‌کردند اگر فشاری ایجاد کنند، تن‌تالی در برنامه‌های هسته‌ای ایران ایجاد می‌شود در حالیکه ما معتقدیم اگر به مسیر دیپلماتیک بازگردند موضوع راحت‌تر حل خواهد شد».

آقای لاریجانی در عین حال کشورهای غربی را به تلاش برای جلوگیری از پیشرفت هسته‌ای جمهوری اسلامی متهم ساخت و گفت «آنها نمی‌خواهند جمهوری اسلامی فعالیت‌های هسته‌ای صلح‌آمیز داشته باشد اما رسماً شهادت ندارند آن را اعلام کنند».

سرپرست سابق مذاکرات هسته‌ای ایران آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را هم مورد انتقاد قرار داد و گفت که تا کنون کمکی به برنامه‌های اتمی ایران نکرده و حتی یک گرم سوخت در اختیار این کشور قرار نداده است.

اختلاف ایران و آژانس

طبق پیمان منع گسترش جنگ‌افزارهای هسته‌ای، کشورهای امضاکننده از کمک‌های فنی و مالی آژانس بین‌المللی در زمینه برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای برخوردار می‌شوند مشروط بر اینکه طبق تشخیص شورای حکام، از عمل به تعهدات خود شانه‌خالی نکرده باشند.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی ایران را متهم کرده است که برای چندین سال بدون اطلاع رسانی به این نهاد به فعالیت‌های هسته‌ای ادامه می‌دهد و تا زمانی که ابهام‌های موجود در مورد ماهیت این فعالیت‌ها را به طور کامل مرتفع نکرده باشد، نمی‌تواند انتظار کمک و حمایت آژانس را داشته باشد.

شورای حکام پیش از این نیز قطعنامه‌هایی در محکومیت فعالیت هسته‌ای ایران صادر کرده و در سال 2006، پرونده این کشور را برای تصمیم‌گیری به شورای امنیت

بحران اتمی

محکومیت واکنش ایران به قطعنامه آژانس

انرژی اتمی

چند کشور جهان تصمیم ایران به ادامه غنی‌سازی اورانیوم و اقدام برای ساخت مراکز جدید غنی‌سازی را محکوم کرده و رئیس مجلس مذاکره را راه حل مناسب حل بحران هسته‌ای دانسته است.

روز دوشنبه، 30 نوامبر (9 آذر)، برنار کوشنر، وزیر امور خارجه فرانسه، در مصاحبه‌ای با روزنامه فرانسوی فیگارو تصمیم ایران در ناپدید گرفتن خواست جامعه جهانی و احداث مراکز جدید غنی‌سازی اورانیوم را اقدامی بسیار وخیم و خطرناک توصیف کرد و با اشاره به قطعنامه مصوب شورای حکام آژانس بین‌المللی در محکومیت برخی فعالیت‌های هسته‌ای جمهوری اسلامی که روز جمعه گذشته صادر شد، افزود «اصرار ایران در ناپدید کردن تقاضای یک نهاد عمده مستقل مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی حقیقتاً بسیار خطرناک است».

وزیر امور خارجه فرانسه تصمیم اعلام شده دولت ایران برای ساختن ده مرکز غنی‌سازی اورانیوم در واکنش به قطعنامه مصوب شورای حکام را «بجگانه» و «مضحک» دانست و آن را محکوم کرد.

در حالیکه شورای حکام ایران را به خاطر آنچه که فعالیت مخفیانه در احداث تأسیسات غنی‌سازی فردو خوانده محکوم کرده است، روز یکشنبه، مقامات هسته‌ای جمهوری اسلامی اعلام داشتند که به دستور محمود احمدی نژاد قرار است ده مرکز دیگر غنی‌سازی در نقاط مختلف ایران احداث شود.

آقای کوشنر در مورد این واکنش جمهوری اسلامی گفت که «به چه دلیل ایران باید برنامه‌ای برای ساخت ده مرکز جدید غنی‌سازی اورانیوم را اعلام کند در حالیکه این کشور حتی یک راکتور هسته‌ای هم ندارد تا اورانیوم غنی شده را به عنوان سوخت در آن به کار برد؟»

مقامات جمهوری اسلامی همواره تأکید داشته‌اند که هدف از اصرار بر ادامه غنی‌سازی اورانیوم در داخل تأمین سوخت نیروگاه‌های هسته‌ای است اما کشورهای غربی ایران را متهم کرده‌اند که در پوشش برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای، در صدد تولید اورانیوم لازم برای ساخت بمب اتمی است.

دیوید میلیبند، وزیر امور خارجه بریتانیا نیز در واکنش به اعلام تصمیم جمهوری اسلامی به افزایش ظرفیت غنی‌سازی این کشور گفته است که «ایران به جای تعامل با ما به تحریک و فریبکاری دست زده است».

آقای میلیبند گفت که ایران در واکنش به خواست شورای حکام برای رفع نگرانی جامعه بین‌المللی در مورد برنامه‌های هسته‌ای خود، اعلام کرده که در نظر دارد تأسیسات غنی‌سازی جدیدی را احداث کند و افزود «این اقدام نشانی از مشکل بنیادی ما با ایران است».

وزیر خارجه بریتانیا تأکید کرد که «ما بارها و بارها گفته ایم که حق ایران برای برخورداری از برنامه غیر نظامی اتمی را قبول داریم اما آنها باید اول اعتماد جامعه جهانی را کسب کنند» و هشدار داد که ایران نمی‌تواند انزوی جهانی خود را دست کم بگیرد و اقدام اخیر این کشور تنها باعث عزم و وحدت نظر بیشتر جامعه جهانی خواهد شد، و به ایران توصیه کرد که «این واقعیت را درک کند و دستی را که به سوی این کشور دراز شده با صمیمیت بفشارد».

همچنین، سخنگوی گوردون براون، نخست‌وزیر بریتانیا، ضمن انتقاد از تصمیم ایران، گفته است که دولت بریتانیا همچنان گزینه مذاکره با ایران را در اولویت قرار می‌دهد اما در نظر دارد در زمان مناسب، مثلاً اواخر سال (می‌یادی) جاری، با ارزیابی میزان ثمربخش بودن این رویه، احتمال پیگیری گزینه دوم در قبال ایران، یعنی اقداماتی مانند تشدید تحریم‌های بین‌المللی را مورد بررسی قرار دهد.



راههای سبز

جلسه هیئت دولت، که رنگ سیاسی و طبیعت عکس العملی آن کاملاً آشکار بود، حضور علی اکبر صالحی در جلسه یاد شده و پشتیبانی وی از مصوبه مزبور بود. آقای صالحی با توجه به آموزش و تجارب شخصی خود به خوبی آگاه است که مصوبه یاد شده فاقد هر ارزش عملی است و تنها در تعقیب هدف های ابتدایی تبلیغاتی صادر شده است.

ایران به دنبال ده سال زمینه سازی سیاسی و امنیتی، سرانجام در دهه ۱۹۹۰ با استفاده از شبکه های بین المللی زیرزمینی خرید و فروش تجهیزات اتمی که عبدالقادر خان، پدر بمب اتمی پاکستان در راس آن قرار داشت، موفق شد قطعات لازم برای مونتاژ تا پنج هزار سانتریفیوژ گازی مشابه مدل معروف به «پاکستان-۱» (پی-۱) را تهیه کند.

در فاصله سال های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۹، علاوه بر راه اندازی سانتریفیوژ های پی-۱ مورد اشاره، و با افزودن حدود چهار هزار دستگاه سانتریفیوژ دیگر موسوم به پی-۲ و بعد ایران-۳ (ایر-۳) که در اصل از نوع همان سانتریفیوژ های گازی پی-۱ و پی-۲ است با این تفاوت که در ساخت بدنه و سیستم دوار آن به جای فلز ضد زنگ (ماراجینگ استیل) از لایه های گرافیتی و موتور سریعتر استفاده شده است، ظرفیت غنی سازی در نطنز افزایش یافت.

کلیه سه نوع سانتریفیوژ یاد شده ایران در چند واحد کارگاهی در تهران، اصفهان و نطنز با استفاده از قطعات وارداتی ساخت چند کشور خارجی مونتاژ شده اند.

در کل بیش از ۱۲۰ قطعه از مجموعه قطعات مورد استفاده در مونتاژ سانتریفیوژ های یاد شده، منجمله، موتور، فلز پوشش بدنه، آهن ربا، موتور برقی سوزن بخش دورانی در کف، شیرها و اتصالات و لوله های انتقال گاز اورانیوم غنی شده ساخت خارج است که اکثر آنها با تمهیدات فراوان و به صورت پنهان خریداری و وارد کشور شده اند.

جمهوری اسلامی ایران تاکنون از اعلام نام شرکت های داخلی و محل کارگاه هایی که در تولید و نصب سانتریفیوژ های یاد شده فعال اند خود داری ورزیده است. با توجه به ادامه نیاز تهران به تامین قطعات یاد شده از خارج برای تولید تعداد بیشتری از سانتریفیوژ ها در داخل، در بهترین شرایط، روند افزایش ظرفیت تولید تعداد بیشتری از آنها می تواند به نسبت چهار سال گذشته صورت گیرد. ضمن آنکه با در نظر گرفتن افزایش مراقبت های بین المللی، امکان کاهش قابلیت های ایران برای تامین قطعات سانتریفیوژ از خارج اینک کمتر از گذشته است.

زمان طولانی برای راه اندازی تاسیسات

در صورت ادامه روند تولید و مونتاژ سانتریفیوژ ها در چهار سال گذشته، تجهیز کارخانه غنی سازی نطنز که در آن باید ۵۰ تا ۶۰ هزار سانتریفیوژ نصب شود، دست کم نیازمند ۳۰ سال وقت خواهد بود.

البته در مقایسه با زمان راه اندازی اولین راکتور اتمی ایران که تا کنون ۳۵ سال به طول انجامیده، این زمان تا حدودی کوتاه تر به نظر می رسد.

در مصوبه روز یکشنبه دولت ایران دستور داده شده است که سازمان انرژی اتمی این کشور نسبت به تاسیس ۱۰ واحد غنی سازی در اندازه های نطنز اقدام لازم صورت دهد.

بی تردید تولید و راه اندازی بیش از نیم میلیون سانتریفیوژ در ده واحد بزرگ غنی سازی به زمانی بیش از عمر دولت دهم نیازمند خواهد بود.

البته در شرایط متعارف، و برای کشورهای داری تکنولوژی ساخت سانتریفیوژ و غنی سازی اورانیوم، تجهیز واحدی در اندازه های نطنز تنها به سه سال وقت نیازمند است. در سال ۲۰۰۷ چنین واحدی توسط روسیه برای چین ساخته و در جنوب آن کشور نصب و راه اندازی شد.

کارخانه نطنز بعد از ۱۲ سال از آغاز عملیات تاسیس آن تنها دارای چهار هزار سانتریفیوژ فعال است و همچنان از مرحله تکمیل و نصب ۶۰ هزار سانتریفیوژ تا بیش از ۹۰ در صد عقب است.

به جز ضرورت برخورداری از ظرفیت فنی لازم برای تولید سانتریفیوژ، که در حال حاضر ایران فاقد آن است، غنی سازی اورانیوم نیازمند داشتن مواد خام است.

مجموعه دو معدن اورانیوم ایران در بندر عباس و یزد،

در ماه سپتامبر وجود آن را به آژانس اعلام کرد قرار است که در سال ۲۰۱۱ فعالیت خود را آغاز کند.

کارشناسان معتقدند که اعلام ایران برای ساخت و طراحی مرکز جدید اتمی به سال ها زمان نیاز دارد و از سوی دیگر، تهران یک زرد لازم برای غنی سازی در تاسیسات فعلی خود را هم ندارد.

مدیر جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی،

مخالف سر سخت سلاح های اتمی



یوکییا آمانو، متخصص ژاپنی خلع سلاح اتمی و مبارزه با تکثیر سلاح های هسته ای به عنوان مدیر جدید آژانس بین المللی انرژی اتمی برگزیده شد و از سه شنبه در همین مقام جای محمد البرادعی را خواهد گرفت.

یوکییا آمانو ۶۲ سال دارد و متخصصی زبردست در زمینه پرونده های اتمی و راهبردی به شمار می رود. او که دو سال پس از بمباران اتمی هیروشیما و ناگازاکی به دنیا آمده از مخالفان سرسخت تکثیر سلاح های اتمی است. یوکییا آمانو در ژوئیه گذشته گفته بود که به عنوان یک ژاپنی برای پیشگیری از تکثیر سلاح های اتمی از هیچ کوششی فروگذاری نخواهد کرد.

ناظران یوکییا آمانو را نامزد کشورهای غربی در آژانس بین المللی انرژی اتمی می دانند که پس از انتخابات مقدماتی بسیار تواتر بر رقیب خود عبدالصمد مینتی از آفریقای جنوبی پیروز شود.

در فوریه گذشته، در مصاحبه ای با خبرگزاری فرانسه یوکییا آمانو گفته بود که آژانس بین المللی انرژی اتمی نه فقط نقشی فنی، بلکه نقشی عمیقاً سیاسی، به ویژه در مواردی نظیر پرونده های ایران، سوریه یا کره شمالی ایفا می کند.

یوکییا آمانو، در سال ۱۹۷۲ به عنوان کارشناس خلع سلاح اتمی وارد وزارت امور خارجه ژاپن شد و در سال ۱۹۹۳ در همین وزارتخانه ریاست سرویس علمی و اتمی را برعهده گرفت.

پیش از ورود به آژانس بین المللی انرژی اتمی یوکییا آمانو ریاست بخش خلع سلاح و عدم تکثیر سلاح های اتمی در وزارت امور خارجه ژاپن را بر عهده داشت. او همچنین در مذاکرات بازنگری پیمان منع گسترش سلاح های اتمی در سال های ۱۹۹۵، ۲۰۰۰ و ۲۰۰۵ و همچنین مذاکرات مقدماتی برای بازبینی این پیمان در سال ۲۰۱۰ شرکت داشته است.

یوکییا آمانو متأهل است و زبان های فرانسوی و انگلیسی را به راحتی حرف می زند.

روایهای اتمی دولت دهم؛ واقعیت های اسفبار

رضا تقی زاده

هیئت دولت دهم در يك اقدام ناگهانی و شگفت انگیز، ظاهراً در واکنش به قطعنامه اخیر شورای حکام آژانس بین المللی انرژی اتمی، که طی آن از ایران خواسته شده است ادامه عملیات احداث مرکز غنی سازی اورانیوم در فردو- قم را متوقف سازد، به سازمان انرژی اتمی ماموریت داده است که نسبت به احداث ۱۰ واحد غنی سازی اورانیوم در مقیاس نطنز اقدام کند.

این مصوبه هیئت دولت که چند ساعت پس از واکنش دیگری از سوی مجلس شورای اسلامی در همین رابطه، صادر شده است، مرز تلاقی و مقابله با جامعه جهانی را از حدود امکانات و اقدامات عملی، به حیطه رویایی کشیده است.

شگفت انگیزتر از اظهارات آقای احمدی نژاد در پایان

ایران "نگرانی شدید" از ساخت ۱۰ مرکز جدید

غنی سازی

ساعتی پس از اعلام ایران مبنی بر تصویب طرح ساخت و طراحی ۱۰ مرکز جدید غنی سازی اورانیوم در این کشور، آمریکا، آلمان و بریتانیا با ابراز نگرانی شدید از این اقدام تهران اعلام کردند که چنین تصمیمی نقض جدی دوباره قطعنامه های شورای امنیت خواهد بود.

رابرت گیبس، سخنگوی کاخ سفید آمریکا، در واکنش به تصمیم ایران گفت: «اگر این خبر درست باشد، این نقض جدی مجدد تعهدات روشن ایران در قبال قطعنامه های سه گانه شورای امنیت سازمان ملل است.»

آقای گیبس در بیانیه خود افزوده است: «چنین اقدامی نمونه دیگری است از اینکه ایران راه انزوا را برگزیده است.»

سخنگوی کاخ سفید بار دیگر تاکید کرد که «زمان برای ایران در زمینه پاسخگویی به نگرانی های فزاینده جامعه بین المللی در باره برنامه اتمی اش در حال سپری شدن است.»

دولت جمهوری اسلامی ایران روز یکشنبه در مصوبه ای سازمان انرژی اتمی این کشور را «مکلف» کرد که تا دو ماه آینده نسبت به آغاز احداث پنج سایت جدید غنی سازی اورانیوم و همچنین طراحی پنج سایت دیگر در مقیاس تاسیسات هسته ای نطنز اقدام کند.

علی اکبر صالحی، رییس سازمان انرژی اتمی ایران، در این زمینه گفته است: «ساخت ۱۰ سایت جدید غنی سازی پاسخی محکم به حرکت ناپسند ۱+۵ است.»

در واکنشی دیگر، بریتانیا که همراه با روسیه، چین، فرانسه، آمریکا و آلمان از اعضای گروه پنج به علاوه یک است از برنامه ایران برای ساخت این تاسیسات به عنوان یک «موضوع جدی نگران کننده» یاد کرده است که به گفته لندن، ناقض قطعنامه های شورای امنیت است.

یک سخنگوی وزارت امور خارجه بریتانیا در بیانیه ای گفته است: «گزارش هایی مبنی بر اینکه ایران ساخت تاسیسات غنی سازی بیشتری را مورد بررسی قرار می

دهد یک موضوع جدی نگران کننده است. این اقدام، ناقض قطعنامه های شورای امنیت سازمان ملل است.» وی که نامش فاش نشده، افزوده است: «ما نیازمند آن هستیم تا پاسخ خود را در همراهی با آژانس بین المللی

انرژی اتمی و دیگران مورد بررسی قرار دهیم.» این سخنگو اظهار داشت: «همچنان که ما بارها گفته ایم، آژانس نیز به روشنی اعلام کرده است که حقوق ایران نادیده گرفته نخواهد شد ولی این کشور باید به تعهدات خود در قبال جامعه بین المللی عمل کند.»

کشورهای گروه پنج به علاوه یک از ایران خواسته اند که برای راستی آزمایی فعالیت های هسته ای خود با بازرسان آژانس همکاری کرده و غنی سازی اورانیوم را به حال تعلیق در آورد.

علی اصغر سلطانی، نماینده ایران در آژانس، روز جمعه در واکنش به تازه ترین قطعنامه شورای حکام در باره تاسیسات در دست ساخت فردو گفته است که ایران برای یک دقیقه هم غنی سازی اورانیوم را متوقف نمی کند.

شورای حکام آژانس روز ۲۷ نوامبر با صدور قطعنامه ای به اتفاق آراء، از تهران به دلیل پنهانکاری در ساخت سایت «فردو» در نزدیکی شهر قم شدیداً انتقاد کرده بود.

در همین حال، آلمان نیز «نگرانی» خود را از مصوبه روز یکشنبه دولت ایران اعلام کرد و یک سخنگوی وزارت امور خارجه این کشور از تهران خواست تا به «تعهدات خود در قبال جامعه بین المللی» عمل کند.

جمهوری اسلامی ایران می گوید که فعالیت های هسته ایش اهداف صلح آمیز دارد ولی کشورهای غربی نگران هستند که ایران در پوشش این برنامه در صدد ساخت

سلاح اتمی باشد. در حال حاضر ایران یک مرکز اتمی در نطنز دارد که در آن بیش از هشت هزار دستگاه غنی سازی اورانیوم در صد نصب شده است. تاسیسات فردو در نزدیکی قم که ایران

راههای سبز



اجتماع و ثباتی به قصد بر هم زدن امنیت عمومی، فعالیت تبلیغی علیه نظام مقدس جمهوری اسلامی از طریق شرکت در تجمعات غیرقانونی و ایراد شعارهایی علیه مسئولین و نظام جمهوری اسلامی [همه‌ی این موارد همان شرکت در گردهمایی اعتراضی است]، ایجاد شبهه جعل و تقلب در انتخابات و سلب اعتماد عمومی نسبت به حاکمیت و مراجع رسمی کشور [این همان نحوه‌ی تلقی افراد نسبت به یک موضوع یا رخداد سیاسی است]، اخلاق در نظم عمومی از طریق بلوا و آشوب و حرکات غیرمتعارف و ایجاد ترس و وحشت در جامعه [این هم همان شرکت در راهپیمایی اعتراضی است]» (گویا نیوز، ۲۵ مرداد ۱۳۸۸) یا نگاهی که در کیفر خواست منعکس شده هیچ منفذی برای مخالفت باقی نمی‌ماند. مخالفان به صرف مخالفت با دولت احمدی نژاد به ضربات شلاق و زندان طولانی مدت محکوم می‌شوند (مانند مورد تاجرینیا).

در کیفر خواست دادگاه دوم موارد دیگری عنوان مجرمانه پیدا کرده بودند از قبیل شرکت در کارگاه‌های آموزشی در خارج از کشور، و همکاری با دادن مصاحبه به رسانه‌های خارج از کشور. (تابناک، ۱۷ مرداد ۱۳۸۸) در کیفر خواست دادگاه اول فعالیت در سازمان‌های غیر دولتی، تمرکز بر حقوق بشر، فعالیت در سندیکاهای کارگری، باور به جدایی دین و سیاست، مخالفت با ولایت فقیه، ملاقات با متفکران غربی مثل بورگن هابرماس و جان کین، تشکیل ستاد جوانان یک نامزد، برگزاری همایش، سازماندهی ستادها در استان‌ها و انتشار و توزیع جزوات انتخاباتی، ارسال گزارش، عکس و فیلم به رسانه‌های خارجی و پخش سی دی و اعلامیه بخشی از فعالیت‌های کودتای نرم و جرم تلقی شده‌اند. (تابناک، ۱۰ مرداد ۱۳۸۸)

تعبیر کودتای نرم آن قدر مبهم و خالی از محتواست (کودتا اقدام نظامیان برای در دست گرفتن قدرت است و نمی‌تواند نرم باشد یا توسط نیروهای سیاسی انجام شود) که هر گونه فعالیت در قالب آن قابل طرح شدن و گرفتن عنوان مجرمانه است. عنوان مجرمانه‌ای که میلیون‌ها نفر (فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران ۳۰۰ هزار نفر آنان را تأیید کرد، سایت بی بی سی، ۲۹ مرداد ۱۳۸۸) را یک باره در بر گیرد دارای مشکل بنیادی است.

قوای قهریه، مبدا حقایق

آنچه «مقابله با کودتای نرم» را با دیکتاتوری نظامی مساوی قرار می‌دهد نقش همه جانبه‌ی نیروهای نظامی و انتظامی در آن است. حکومت آیت‌الله خامنه‌ای فاقد هر گونه راه حل سیاسی برای خروج از بحران سیاسی موجود است. سپاه پاسداران، نیروی انتظامی و لباس شخصی‌ها نقش انحصاری و اصلی را در مقابله با این بحران بر عهده دارند و بخش‌های مختلف وزارت اطلاعات و قوه قضاییه یا باید همکاری کنند یا سکوت. نقش نیروهای سیاسی در این رژیم نیز تشکیل کمیته‌های نمایشی و بیان احساس رضایت زندانیان و مردم از شرایط موجود است. بازداشت‌ها و شکنجه‌ها توسط نیروهای نظامی و انتظامی صورت می‌گیرد و بازداشتگاه‌ها تحت نظارت قوه قضاییه نیستند. کیفر خواست توسط دفتر سیاسی سپاه نوشته می‌شود و نماینده‌ی قوه قضاییه آن را روخوانی می‌کند. مقابله با تهدیدات نرم از جنس مقابله با شیخون فرهنگی از نگاه برخی از مقامات ایران نیست که مبارزه فرهنگی را اقتضا کند. آن مبارزه مربوط بود به دهه‌ی هفتاد که هنوز نظامیان سرشاخه‌های قدرت را در دست داشتند. این مقابله، نظامی و امنیتی است و قوای قهریه باید آن را پی‌گیری کنند.

هیئت حاکمه در ایران خود را در مقام حق و همه‌ی مخالفان را در مقام باطل می‌نشانند. در سخنرانی‌های رهبری و دیگر اعضای نهادهای نظامی و امنیتی، حکومت موجود با حکومت معصوم یکی گرفته شده و مخالفان آن به طلحه و زبیر و جماع آن‌ها به مسجد ضرار تشبیه شده‌اند. با این تصور هر اقدامی از سوی حکومت برای سرکوب مخالفان مجاز تلقی می‌شود در حالی که نمونه‌ی تاریخی نیز چنین ادبیات و اقداماتی را اقتضا

این گفته‌ی فرماندهی سپاه که «نمی‌توانیم بنشینیم و از طریق سیاسی دشمن تغییر ایجاد کند» (آفتاب، ۳۱ مرداد ۱۳۸۸) به خوبی نگرش هیئت حاکمه را به نقش سپاه برای فعالیت سیاسی مستمر و جلوگیری از فرایندهای دمکراتیک بازتاب می‌دهد. نقش نیروهای نظامی از این دیدگاه، قرار گرفتن در خط اول جبهه‌ی مبارزه‌ی سیاسی با مخالفان سیاسی با اتکا بر قدرت نظامی و هرگونه نقض حقوق بشر برای ممانعت از هر گونه تغییر دمکراتیک است. بنا به این دیدگاه فعالیت‌های نرم (سیاسی) بر عهده‌ی این نیروها گذاشته می‌شود: «بسیج باید تولید قدرت نرم و استمرار روح نشاط و تعالی و افزایش آگاهی‌های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دانما پیگیری نماید زیرا سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج یکی سازمان ایدئولوژیک است و بر اساس عقیده و مکتب انقلابی عمل می‌نماید.» (آفتاب، ۳۱ مرداد ۱۳۸۸)

تهدیدات نرم یا آزادی‌های بنیادین

این استراتژی پنج آزادی بنیادین مردم را منتفی می‌کند: آزادی بیان، آزادی اجتماعات، آزادی رسانه‌ها، آزادی مشارکت و رقابت سیاسی، و آزادی تشکیل گروه‌های سیاسی. اگر در حکومتی مقامات نظامی رسماً و عملاً مسئول سرکوب و نقض این آزادی‌ها باشند این حکومت را می‌توان حکومت نظامی نامید. بنا بر این وقتی فرماندهی سپاه به صراحت و مکرراً اعلام می‌کند که ماموریت سازمانش مقابله با تهدیدات نرم است. بدون آوردن نام اصلی این امر - بیان می‌کند که کشور با دیکتاتوری نظامی اداره می‌شود. ماموریت سپاه پاسداران در ذیل ولایت فقیه پشتیبانی و حمایت از رهبری و نهادهای تحت وی است.

تغییر واژگان سیاسی

تعبیر کودتای نرم آن قدر مبهم و خالی از محتواست (کودتا اقدام نظامیان برای در دست گرفتن قدرت است و نمی‌تواند نرم باشد یا توسط نیروهای سیاسی انجام شود) که هر گونه فعالیت در قالب آن قابل طرح شدن و گرفتن عنوان مجرمانه است. عنوان مجرمانه‌ای که میلیون‌ها نفر (فرمانده سپاه محمد رسول الله تهران ۳۰۰ هزار نفر آنان را تأیید کرد، سایت بی بی سی، ۲۹ مرداد ۱۳۸۸) را یک باره در بر گیرد دارای مشکل بنیادی است. یکی از هنرهای حکومت‌های اقتدارگرا و دیکتاتوری تغییر واژگان سیاسی است. حکومت خودکامه در ایران و دولت جرج بوش که با ایدئولوژی اقتدارگرایی (البته در جامعه‌ی آمریکا با نهاد‌های دمکراتیک دیرپا و قدرتمند) اداره می‌شد از این جهت مشترکات بسیاری دارند. در دوران بوش لغت «شکنجه» در ادبیات کاخ سفید به «سوءاستفاده» یا «تکنیک‌های سخت بازجویی» تغییر یافته بود. از «کشتار غیر نظامیان» نیز با عنوان «تلفات متقابل» یاد می‌شد. در ایران نیز نام شرایط غیر انسانی و شکنجه با بازداشتگاه کهریزک را گذاشتند «غیر استاندارد» نام زندانی انفرادی را گذاشته‌اند «هتل» که کسی نمی‌خواهد آن را ترک کند، یا نام تجاوز جنسی را گذاشتند «آزان» اختراع ادبی دیگر همین «تهدیدات نرم» یا «کودتای مخملی» است. نام هرگونه فعالیت سیاسی با جهت‌گیری مخالف بدون تمسک به خشونت و قانونی را گذاشته‌اند تهدیدات نرم یا کودتای مخملی.

مخالفت با رژیم توتالیتر جرم است

بر این اساس هر گونه اقدامی که به تغییر هیئت حاکمه بیانجامد عنوان مجرمانه گرفته و با آن مقابله می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای رسماً اعلام متقابلانه بودن انتخابات را جرم اعلام کرد. در متن کیفر خواست دادگاه‌های سیاسی بعد از انتخابات ریاست جمهوری که مختص رژیم‌های توتالیتر است، هر گونه مخالفت با رژیم جرم تلقی شده است؛ در کیفر خواست دادگاه سوم، موضوع عاتی مثل شرکت در راهپیمایی اعتراض آمیز، شعار دادن و نحوه‌ی تفکر عنوان مجرمانه گرفته‌اند: «اقدام علیه امنیت کشور از طریق

حتی برای تأمین سوخت یک راکتور در اندازه‌های بوشهر نیز کافی نیست.

به این ترتیب ایران در صورت خلق معجزه فنی و نصب نیم میلیون سانتریفیوژ در ده واحد غنی‌سازی در اندازه‌های نظنز، نیازمند واردات دهها هزار تن کیک زرد برای تولید گاز اورانیوم و تزریق به آنها است. در حال حاضر ایران به دلیل کاهش ذخیره کیک زرد و نداشتن گاز اورانیوم کافی برای تزریق به بیش از هشت هزار سانتریفیوژ نصب شده در نظنز، حدود چهار هزار واحد از این مجموعه را خارج از چرخه تولید نگاه داشته است. با توجه به ادامه تحریم‌های جاری علیه ایران، مشکلات تهیه این حجم کیک زرد و یا معادل آن سنگ خام اورانیوم برای تبدیل به کیک زرد از خارج، به هیچ وجه کمتر از مشکلات تولید نیم میلیون سانتریفیوژ و نصب آن در داخل نیست.

به این ترتیب، مصوبه هیئت دولت تنها می‌تواند به عنوان رویاهای اتمی دولت دهم تعبیر شود تا دستور کار جدی برای دست یافتن به یک هدف واقعی. توان دولت ایران در اجرای این مصوبه تا حدودی قابل مقایسه با تهدید همزمان مجلس شورای اسلامی به کاهش سطح همکاری با ژانسن و اشاره تلویحی نمایندگان به احتمال خروج ایران از معاهده منع گسترش سلاح‌های اتمی است. گزینه‌ای که در عمل به مثابه اعلام جنگ به جامعه جهانی خواهد بود.

مصوبه اخیر هیئت دولت جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد که در مسابقه‌ای شانه به شانه با مجلس شورای اسلامی و فراموشی واقعیت‌های ملموس جهان امروز، قوه مجریه به جای برخورد عقلی با رویدادها و مشکلات ایجاد شده، به ترسیم رویاها و انتظار تعبیر خوش آنها دل بسته است. منبع: رادیو فردا - رادیو فرانسه



دیکتاتوری نظامی تحت عنوان

«مقابله با تهدیدات نرم»

مجید محمدی

رهبر جمهوری اسلامی در ماه‌های پس از انتخابات دیدار با گروه‌های مختلف بسیجی و مقامات دولتی و جمع شعری صله گیر مرتباً از «جنگ نرم» سخن گفته است. او معتقد است که «اولویت اصلی کشور مقابله با جنگ نرم است.» (الف، ۴ آذر ۱۳۸۸) فرماندهان نظامی تحت امر ولی فقیه نیز تنها سخنی که در دوران پس از انتخابات داشته‌اند مقابله با تهدیدات نرم بوده است. در اعتراف‌ها و اقرارهایی نیز که تحت شکنجه و فشار از زندانیان گرفته‌اند، از زبان آن‌ها به کودتای نرم و جنگ نرم دشمنان اشاره شده است. بنا به اظهارات صریح فرماندهان سپاه پاسداران، ماموریت، استراتژی و اولویت این نیرو مقابله با تهدیدات نرم است (محمد علی جعفری، ۲۵ مرداد ۱۳۸۸). او همچنین ماموریت اصلی بسیج را ورود فعال به عرصه‌ی جنگ نرم می‌داند. (خبرگزاری مهر، ۶ آذر ۱۳۸۸) کودتای نرم یا جنگ نرم، شاه بیت برنامه‌ی تبلیغاتی و استراتژی سرکوب رژیم سیاسی ایران در برابر مخالفان خود است.

منظور مقامات نظامی ایران از تهدیدات و جنگ نرم چیست؟ منظور از تعبیر نرم، «غیر مسلحانه» است و تهدیدات یا جنگ نیز هر گونه اقدام برای تغییر در نظام سیاسی موجود است. بدین ترتیب هرگونه حرکت سیاسی از قبیل تظاهرات مسالمت آمیز جهت مخالفت با این رژیم و مقررات و سیاست‌هایش، رای دادن به نامزدی که مورد نظر هیئت حاکمه نیست، وارد شدن به رقابت سیاسی با نمایندگان حاکمیت، دادن شعارهای مخالف با باورهای رسمی، شکل دادن به تشکیلات و گروه‌های مخالف و منتقد، تشکیل هر گونه گردهمایی توسط مخالفان و منتقدان، راهاندازی رسانه بدون مجوز و بدون کنترل تام و تمام مقامات، و بیان و باور به دروغ‌گویی و تقلب مقام‌ها تهدید به حساب آمده و حکومت با آن برخورد می‌کند.



راههای سبز

مبارزات ملت ایران حضور طولانی داشته، پیغام داد که می خواهد در این رابطه از من به صورت تلفنی دلجویی کند. ناگهان چند روز بعد روزنامه کیهان در خبری ویژه آورد: «احمد صدراعظم سیدجوادی از او (کروبی) خواست جبهه مدافعان ملی، بخوانید جبهه ملی کدایی تشکیل دهد» و سپس درباره من نوشت: «شتاب بدون ترمز آقای کروبی به سوی گروهک های معارض با خط امام و جمهوری اسلامی جالب توجه است، درحالیکه به گزارش اینلنا اعضای فراکسیون خط امام مجلس در دیدار اخیر خود با کروبی بر لزوم مرزبندی با افراد و گروه هایی که با اصل نظام و خط امام مخالفند تاکید کرده بودند تا همسویی با این تشکل ها احساس نشود.»

آقای صدراعظم سیدجوادی در تماس تلفنی خود از اتفاقات روی داده ابراز انزجار کرد و سپس به بیان نقطه نظرانی پرداخت و نیز به موضوع خروج ارز و طلا از کشور و ورود آنها به ترکیه که منجر به نوشتن نامه ای از سوی ایشان به نخست وزیر ترکیه شده بود، اظهار نظر کردند. ولی بنده چون اطلاعی در این خصوص نداشتم در این باره سخنی نگفتم و نهایتاً هم از ایشان تشکر و تاکید کردم که این خشونت ها و تهمت ها طبیعی است و با این اتفاقات از میدان به در نمی روم.

مدتی است که اینها اتهاماتی همچون همراهی با مارکسیست ها، سلطنت طلبان، صهیونیست ها و منافقین جنایتکار را مطرح می کنند ولی واقعا برای من جای سوال است که آیا اینها نمی دانند و فکر نمی کنند که این نوع سخنان نتیجه عکس خواهد داشت؟

آقایان بدانند که من به خط امام اعتقاد کامل دارم و معتقدم برخی درصدد هستند راه و خط امام را پاک و از بین ببرند و منویات خودشان را به جای خط امام به مردم غالب کنند. اما بدانید که من پای آرمان های امام و منافع ملی ایستاده ام و تلاش می کنم انحرافات را یک به یک برای مردم بیان کنم تا راه از بیراه مشخص شود.

آخر مجلس اول مرحوم آقای مهندس بازرگان به سراغ من آمدند و چون دانستند که ما با امام دیدار هفتگی داریم از من پرسیدند که نامه ای برای امام دارند و آیا من این نامه را به ایشان می رسانم؟ بنده در آن زمان دیدگاه سیاسی مشترکی با مهندس بازرگان نداشتم، اما رفاقت داشتیم. طبعاً روحیات مهندس بازرگان و دیدگاه های ایشان را می شناختم و می دانستم که مهندس بازرگان نامه فدایت شوم برای امام نوشته و این نامه حتماً حاوی نقطه نظر است و نقدی او به برخی مسائل جاری کشور است. با این همه بدون آنکه از مرحوم بازرگان بپرسم که نامه درباره چیست جواب مثبت دادم. ایشان هم نامه قطوری به من دادند تا به امام برسانم. در آن سال ها ما به صورت هفتگی همراه با خانواده شهید با امام دیدار داشتیم و من در حضور حضرت امام سخنرانی می کردم. اگرچه مدیران صدا و سیما حتی یک بار هم این دیدارها را پس از ارتحال امام پخش نکردند، اما دیدار ما با امام هر هفته برگزار می شد. یکی از این دیدارها نامه مهندس بازرگان را به امام دادم و به سید احمدآقا نیز گفتم که نامه مربوط به مهندس بازرگان است. بعد از گذشت چند روز مهندس بازرگان مجدد نزد من آمدند و از من تشکر کردند و طوری سخن گفتند که معلوم بود از حضرت امام درباره آن نامه جواب گرفته است.

به مسئولین روزنامه کیهان می گویم که برداشت ما از اسلام با برداشت شما از اسلام متفاوت است و به همین علت آن خمینی ای که ما می شناسیم با خمینی ای که شما می شناسید فرق دارد. خمینی ما، امامی است که وقتی خبر می رسید عده ای از روی تعصب نسبت به بروز منکرات در شهر با مردم برخورد می کنند، ناراحت می شد و فوراً دستور می داد با آنها برخورد شود و عوامل آن بازداشت شوند. خمینی ما با خمینی شما یکی نیست. خمینی ما آن کسی است که وقتی در بوتن محرمانه وزارت اطلاعات خواند که در فلان روستا و فلان شهر عده ای مدرسه ای را که متعلق به زرتشتی ها بود تصرف کرده اند، ناراحت شد و خود دستور بازگرداندن مدرسه به صاحبانش را صادر کرد.

حوزوی و مذهبی مهم شدند. به نظر شما چه تفاوتی بین بحث نظارت بر کار اساتید با تحولات اخیر در ایران مثل انتخابات ریاست جمهوری وجود دارد؟

در انتخابات ریاست جمهوری، شما هم دیدید که بسیاری از اساتید و محققین علوم انسانی و اجتماعی علیه آقای احمدی نژاد و سیاست هایش موضع گیری کردند. دهها تن از این مخالفان یا مشاوران کاندیداها دیگر بودند یا در ستادهای این دو کاندیدا فعال بودند. این یک زنگ خطر سیاسی برای آقای احمدی نژاد، خود رهبر و حتی وزاری کابینه بود. به همین دلیل هم اینها شروع کردند به پاکسازی دانشگاهها از وجود اساتیدی که با این تفکر جزمکرایانه و تمامیت خواه روی خوش نشان نداده اند.

این را ما بارها دیده ایم. با این که ۳۰ سال از وقوع انقلاب اسلامی می گذرد، هنوز این آقایان می گویند دانشگاهها اسلامی نشده است و باید آن ها را اسلامی کرد. آقای خامنه ای هم در دهه ۱۹۹۰ گفت اما اینها موفق نشدند، این بار هم موفق نخواهند شد.

پاسخ مهدی کروبی به کیهان:

پای منافع ملی ایستاده ام....

برخی خود را نماینده خدا روی زمین می دانند. برداشت ما از اسلام با برداشت شما از اسلام متفاوت است

مهدی کروبی در گفت و گویی که با سایت تغییر داشت به برخی مطالب اخیر روزنامه کیهان پاسخ داد. مهدی کروبی گفت: منتهی پیش شخصی که خود را نظریه پرداز اصولگرایان می داند، در دیداری که با آقای احمدی نژاد داشته می گوید: «حفظ دولت نهم مهمترین وظیفه علاقمندان انقلاب است. وقتی رضایت خدا در میان باشد، هیچ چیز دیگری مهم نیست. باید به شکلی عمل کنیم تا رضایت خدا تامین گردد، حتی اگر اکثریت مردم گمراه باشند و صلاحیت خود را تشخیص ندهند». دبیرکل حزب اعتماد ملی افزود: آیا مسوولین امر نباید از امثال این مدعیان نظریه بخواهند که چرا به این سادگی به میراث امام مطروم که می فرمود «میزان رای ملت است» و مردم ولی نعمت هستند و تصمیم نهایی با آنهاست، چوب حراج می زنند و وکیل خدا بر روی زمین شده اند؟

من وقتی این نوع اظهارات را خواندم بسیار متأسف شدم و به خدا پناه بردم از این که برخی چنان به خود می نگرند که گویی نماینده خدا بر روی زمین شده اند. برای خود چنین امتیازی فرض می کنند و سپس بنام رضایت خدا، دست به هرکاری می زنند و هر گونه که خواستند عمل می کنند. آقایان به این پرسش پاسخ ندادند که چگونه به این درجه رسیدند و چگونه به آنها الهام شده است که مخالفت با دولت احمدی نژاد مخالفت با خداست؟

من واقعا نمی خواستم به خودبزرگ بینی این آقایان اشارتی داشته باشم اما وقتی دیدم مکرر می آیند و از «فتنه» حرف می زنند و نقش های خودشان را در بوجود آمدن حوادث پس از انتخابات انکار می کنند و برای قوه قضاییه خط و نشان می کشند، در مقام پاسخگویی برآمدم. پس از روزهای قدس و ۱۳ آبان و همچنین حضور من در نمایشگاه مطبوعات، آنها که از حضور مردم نگران و آشفته شده بودند، همه ها و تهمت هایی را علیه من آغاز کردند. درحالی که دلیل این همه، حضور مردم بود. تریبون های نماز جمعه آغشته به تهمت، افترا، دروغ و ناسزاگویی شد. در این میان طبیعی بود که عده ای از بزرگان به روش های مختلف از ما دلجویی کنند. از جمله برخی مراجع عظام، کتبی و شفاهی و یا بیوت مکرر آنان، برخی علما، فضلا، دانشگاهیان، دانشجویان، روزنامه نگاران، برخی از نمایندگان مجلس و گروه های سیاسی در تماس های مختلف ضمن ابراز انزجار از

در این میان جناب آقای احمدصدر حاج سیدجوادی که بیش از ۹۰ سال سن دارد و یک چهره حقوقدان و دانشگاهی است و نیز از همکارانمان در مجلس اول بود و در

نمی کند. جنگ نرم در ایران پوششی است برای استقرار تام و تمام دیکتاتوری نظامی در لباس حکومت آرمانی و آخر الزماتی.



اساتدان دانشگاه تحت نظارت

کامران دانشجو؛ وزیر علوم تحقیقات و فن آوری، خواستار نظارت بر اساتید دانشگاهها شد.

به گزارش خبرگزاری دولتی «ایرنا»، کامران دانشجو روز پنجشنبه در یک سخنرانی گفت: «اساتید باید بر اساس جهان بینی اسلامی و منافع نظام سخن بگویند.» وزیر علوم تحقیقات و فن آوری با طرح این موضوع که «عده ای می خواهند دانشگاهها را با دیدگاه غربی ها جلو ببرند»، گفت چنین افرادی می خواهند «دانشگاهها بر مبنای آزادی، لایبالی گری و هرج و مرج پیش رود.»

آزاده کیان، استاد جامعه شناسی سیاسی در دانشگاه پاریس، درباره سخنان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری به رادیو فردا می گوید:

صحبت های وزیر علوم پس از سخنان آقای خامنه ای در مورد علوم اجتماعی و انسانی در دانشگاهها مطرح می شود. به نظر من از دو بُعد می توانیم این قضیه را بررسی کنیم؛ نخست از بعد فکری، یعنی اهمیت تفکر انتقادی که الان این آقایان با این تفکر انتقادی بسیار خودشان را در خطر می بینند، بعد دیگر هم بعد سیاسی است، بعدی که بیشتر مربوط به دانشگاهها و اساتید دانشگاههاست که در سخنرانی های اخیر مورد بازخواست و تهدید قرار می گیرند.

نباید فراموش کنیم که تفکر انتقادی که بسیاری از اساتید دانشگاهها و محققین به آن عمل می کردند، در مورد به چالش کشیدن گفتمان قدرت و روابط سلطه است. فکر می کنم حاکمیت ایران اهمیت این موضوع را کماتان خوب درک کرده است و به همین دلیل هم می داند که اگر جلوی این تفکر انتقادی که سرچشمه آن در علوم اجتماعی و انسانی است گرفته نشود، ممکن است به لحاظ فلسفی و فکری عملاً قدرتش زیر علامت سوال برود.

شما فکر می کنید که این روش و سیاست از سوی جمهوری اسلامی ایران چه پیامدهایی به دنبال خواهد داشت؟

مسئله ای که مجدداً اتفاق می افتد بیکاری عده بیشتری از اساتید دانشگاههاست. کما اینکه این روند چندین سال است که شروع شده، برخی را مجبور به بازنشستگی کرده اند و برخی را هم از کار بیکار کرده اند. این چیز جدیدی نیست. به این ترتیب با این روش چند سالی سعی می کنند جلوی رشد تفکر انتقادی گرفته شود. ولی در غایت هم با شکست مواجه می شوند.

ما امروز در عصر رایانه و وسایل ارتباط جمعی جهانی قرار داریم. نمی شود دور دانشگاهها را سیم خاردار کشید تا از ورود تفکر به درون دانشگاه جلوگیری شود. حتی اگر اساتید هم نباشند دانشجویان خودشان از طرق دیگر به این اطلاعات و تفکرات دست پیدا می کنند. به همین دلیل هم این تلاشها به اعتقاد من تلاش های بی خودی است. ولی آنچه نباید فراموش کنیم این است که این بار اول نیست که در طول ۳۰ ساله عمر جمهوری اسلامی، موضوع اسلامی کردن دانشگاهها و مخالفت با اساتیدی که گفته می شود غربگرا هستند، مطرح می شود.

اولین انقلاب فرهنگی ما فاصله کمی از وقوع انقلاب انجام گرفت. بعد از آن دو مرتبه در دهه ۱۹۹۰ تلاش شد که حوزه و دانشگاه با هم ادغام و یکی شوند که باز هم در همان جا هدف، مبارزه با چیزی بود که به آن تفکر غربی می گفتند. دیدیم که نه تنها دانشگاهها اسلامی نشد، بلکه حتی خود حوزه هم به خاطر نزدیکی به فضای دانشگاه و به تفکری که بر دانشگاهها حاکم بود، عملاً به تفکر و فلسفه مدرن رو آورد، از اینجا بود که ما شاهد ایجاد پدیده «روشنفکری دینی» بودیم.

شما می بینید که در آن دهه هم فلاسفه غربی در میان افراد



من نمی گویم شما حق ندارید برداشت خود را از اسلام و امام مطرح کنید، حداکثر می گویم که شما کج فهم هستید و امام را شناختید. اما بدانید اجازه ندارید هر کسی که نظرات شما را قبول ندارد، او را صهیونیست و منافق بنامید. باید بدانید که در محکمه الهی نه شنودی هست و نه بازجویی. نه مدیریتی است و نه قدرتی. آنجا سید و غیر سید، روحانی و غیر روحانی همه در برابر عدل الهی باید پاسخ گوی عملکرد گذشته خود باشند

خامنه ای: نوبل و اسکار هیچ ارزشی ندارند

خبرگزاری فارس: مقام معظم رهبری با تأکید بر اینکه پیشرفت و سبیل ارتباطاتی و هنری، صنعت سینما و فیلم سازی را به ابزاری تأثیرگذار برای بیان افکار و همچنین اهداف سیاسی تبدیل کرده، فرمودند: نظام جمهوری اسلامی ایران حرف ها و ایده های جدیدی برای گفتن دارد که باید با استفاده از شیوه های هنرمندانه و تأثیرگذار مطرح شوند.

به گزارش خبرگزاری فارس به نقل از پایگاه اطلاع رسانی دفتر مقام معظم رهبری، حضرت آیت الله خامنه ای رهبر معظم انقلاب اسلامی امروز در دیدار کارگردان، هنرمندان و عوامل تولید سریال حضرت یوسف (ع) ضمن تشکر و قدردانی از این کار هنری برجسته، تأکید کردند: این سریال در واقع شروعی برای کارهای هنری خلاقانه با پردازش داستانی قوی در مجموعه هنر انقلابی است که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، صدا و سیما و همچنین هنرمندان باید در این زمینه بیش از پیش سرمایه گذاری کنند. ایشان پردازش هنرمندانه قصه در سریال حضرت یوسف (ع) را یکی از ویژگی های بارز این مجموعه تلویزیونی برشمردند و افزودند: در دنیای کنونی هنر و سینما، معمولاً برای جذب مخاطب از برخی مسائل از جمله جاذبه های جنسی استفاده می شود اما در این سریال که بسیار پرمخاطب و مورد رضایت بینندگان در ایران و سایر کشورها هم بود برخلاف غالب فیلم ها و مجموعه های نمایشی محور داستان عصمت و پاکدامنی است.

رهبر انقلاب اسلامی این موضوع را بسیار ارزشمند دانستند و خاطر نشان کردند: یکی دیگر از ویژگی های این سریال به تصویر کشیده شدن شخصیتی جامع الاطراف و نبوت واقعی از یوسف پیامبر بود که این شخصیت دینی علاوه بر معنویت و توجه به دعا و ذکر در صحنه مدیریت جامعه، تدبیر امور، مبارزه با ظلم و ایستادگی در مقابل فشارها نقش بارزی داشت.

حضرت آیت الله خامنه ای صنعت سینمای امروز را صنعتی به ظاهر هنری ولی در باطن سیاسی دانستند و افزودند: بیشتر شرکت ها و موسسات سینمایی در هالیوود مظهر اراده سیاسی دستگاه منسجمی هستند که پشت صحنه سیاست آمریکا قرار دارد و حتی در برخی موارد فراتر از دولت ها نیز قرار گرفته است.

ایشان با تأکید بر اینکه پیشرفت و سبیل ارتباطاتی و هنری، صنعت سینما و فیلم سازی را به ابزاری تأثیرگذار برای بیان افکار و همچنین اهداف سیاسی تبدیل کرده، خاطر نشان کردند: نظام جمهوری اسلامی ایران حرف ها و ایده های جدیدی برای گفتن دارد که باید با استفاده از شیوه های هنرمندانه و تأثیرگذار مطرح شوند.

رهبر انقلاب اسلامی مردم سالاری دینی را یکی از ایده های نو و بی سابقه در دنیا دانستند و افزودند: مردم سالاری همراه با حقیقت دینی اکنون در ایران تحقق پیدا کرده و می توان با شیوه های هنری و نمایشی این واقعیت بی نظیر را به جهانیان معرفی کرد.

ایشان با تأکید بر لزوم استفاده بیشتر از این ظرفیت برای ترویج تفکر نظام اسلامی خاطر نشان کردند: چنین آثار هنری، قطعاً آثار بزرگی خواهند شد اما هیچگاه جایزه اسکار و یا نوبل هنری را دریافت نخواهند کرد زیرا امروز کوس رسوایی دستگاه های جهانی پشتیبان هنر در دنیا زده شده است. رهبر انقلاب اسلامی افزودند: این جایزه ها هیچ ارزشی ندارند و هنرمندان نیز نباید برای کسب این جایزه ها به دنبال ساخت اثر هنری باشند.

نشانی مراکز ارسال پرازیت در تهران

مراکز ارسال پرازیت در چند نقطه تهران از جمله لویزان، شهرک اکباتان، شهرک غرب، جام جم، تهران پارس و مرکز شهر پرازیت های ویران کننده ای با قدرت های بسیار بالا ارسال می کنند و هر روز افراد بیشتری را در معرض اختلال های هورمونی قرار می دهد.

با طولانی شدن مدت زمان ارسال پرازیت های ماهواره ای و عدم پیگیری نمایندگان مجلس در این زمینه و عدم ارائه گزارش وزیران ارتباطات، اطلاعات و بهداشت با وجود وعده قبلی، مسئولین باید گوش به زنگ نخستین بازخوردهای این پرازیت ها باشند. بازخوردهایی که خود را به صورت بیماری در شهروندان نشان می دهد. بنا به برخی مشاهدات به نازگی افرادی به مراکز درمانی مراجعه می کنند که بنا به گفته برخی منابع علت بیماری آنها ناشی از اثرات تشعشعات پرازیت های ماهواره ای است که از حدود یکماه اخیر بحث هایی پیرامون زیان آور بودن آنها در فضای سیاسی و عمومی در صدر اخبار رسانه های مکتوب و آن لاین (صدا و سیما از این موضوع اصلاً خبر ندارد) مطرح می شود.

در حالی که به اذهان عموم مردم هر روز بر شدت این نوع از پرازیت ها نیز اضافه می شود و اگر تا هفته گذشته امکان دیدن یک شبکه ماهواره ای بود از این هفته تمامی شبکه ها به مدد این پرازیت ها، کاملاً غیرقابل رویت است و مطمئناً برای سلامت مردم تهران که تاکنون نگران آلودگی هوا بودند خطرناک است.

از سویی به نظر می رسد در ارسال پرازیت های ماهواره ای یک بعد قضیه که همان سلامت مردم است، نادیده گرفته شده است مردمی که شاید بخشی از آنها اصلاً رنگ ماهواره و شبکه های سیاسی را هم ندیده اند.

در یکماه اخیر مساله پرازیت های ماهواره ای ضمن تبدیل شدن به سوزخه خبری برای رسانه های داخل و خارج از کشور با طولانی تر شدن مدت زمان خود نگرانی طیف وسیعی از کارشناسان را مبنی بر تأثیرات زیان بار این تشعشعات بر سلامت انسان ها نیز در برداشته است.

متأسفانه پخش پرازیت به صورت کاملاً بی ضابطه ای صورت می گیرد و در این خصوص به تنها چیزی که توجه نمی شود سلامت شهروندان است. مجلس در این مورد باید به صورت جدی وارد شود و در سلامت مردم دفاع کند.

این موضوع تا حدی بوده که برخی از نمایندگان مجلس با احضار وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات به کمیسیون بهداشت به این امر واکنش نشان دادند ولی پاسخ تقی پور در برابر پرسش های آنان بی خبری از این اختلالات بوده است.

وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات و مدیران مجموعه او در حالی نسبت به ارسال پرازیت های ماهواره ای اظهار بی اطلاعی می کنند که در حال حاضر تنها نهاد متولی مدیریت، نظارت و هماهنگ کننده فضای فرکانسی کشور، سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی است و ارسال هر نوع فرکانس با هر میزان شدت، ارتفاع و مدت زمان باید زیر نظر و با هماهنگی رگولاتوری صورت پذیرد ولی

مدیران این سازمان هم از این امر اظهار بی اطلاعی می کنند تا جایی که مدیر روابط عمومی رگولاتوری در یک مصاحبه ضمن بی خبری از این امر می گوید که از هدایت کننده این پرازیت ها بی خبر است.

در این بین شاید بتوان مهم ترین واکنش در خصوص مساله ارسال پرازیت های ماهواره ای را اظهارات اعضای کمیسیون بهداشت و احضار وزیر اطلاعات، وزیر ارتباطات و معاون سلامت وزارت بهداشت به این کمیسیون عنوان کرد که این احضار هم نتیجه آنچنانی در پی نداشت چرا که وزیر ارتباطات که بی خبر بود و وزیر اطلاعات و معاون سلامت وزارت بهداشت هم گزارش کاملی نداشتند و خواستار ارائه گزارش خود در هفته آتی شدند که این امر هم به دلیل ترافیک کاری در حوزه فعالیت های اجرایی تاکنون به تعویق افتاده است.

فرکانس پرازیت های ماهواره ای از قدرتی بیشتر از فرکانس های مخابرات برخوردارند

نمایندگان مجلس با وجود ابراز بی اطلاعی آقای وزیر اما معتقدند وزارت ارتباطات در این زمینه مسئول است ولی باز هم صابری فیضی مدیر عامل شرکت مخابرات ایران با رد اظهارات نمایندگان مجلس مبنی بر ارسال پرازیت های ماهواره ای از سوی شرکت مخابرات این امر را این گونه توجیح می کند: ارسال پرازیت های ماهواره ای در حوزه مسئولیتی ما نیست چرا که شرکت مخابرات تنها قادر به ارسال فرکانس های کمتر از 1800 مگاهرتز است ولی فرکانس هایی که برای پرازیت های ماهواره ای ارسال می شود از قدرتی به مراتب بیشتر از فرکانس های شرکت مخابرات برخوردار است.

وی افزود: فرکانس پرازیت های ماهواره ای دارای فرکانسی بیش از یک گیگا هرتز هستند که ارسال آنها خارج از توان شرکت مخابرات است و اینکه ارسال پرازیت های ماهواره ای بسیار هزینه بر است و بودجه محدود شرکت مخابرات اجازه ارسال این پرازیت ها را به ما نمی دهد.

پرازیت ها سلامت شهروندان را به خطر انداخته است

مسعود یزیشکیان نماینده تبریز و عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی خواهان بررسی جدی تأثیرات مخرب پرازیت های ماهواره ای در سلامت و روان انسان شد و گفت: از نهادی که مسئول پخش پرازیت برای مختل کردن ماهواره ها در شهر تهران است خواهش می کنیم به عواقب جدی این امواج مخرب بر سلامت شهروندان تهرانی توجه داشته باشد.

نماینده تبریز خاطر نشان کرد: متأسفانه پخش پرازیت به صورت کاملاً بی ضابطه ای صورت می گیرد و در این خصوص به تنها چیزی که توجه نمی شود سلامت شهروندان است.

نماینده تبریز با اشاره به نقش نظارتی مجلس در دفاع از حقوق شهروندان گفت: مجلس در این مورد باید به صورت جدی وارد شود و از سلامت مردم دفاع کند.

زهره الهیان، نماینده تهران و متخصص زنان و زایمان نیز در پاسخ به پرسشی مبنی بر تأثیر امواج پرازیت بر زنان باردار و افزایش سقط جنین اظهار داشت: اگر آمار مستندی ارائه شود که در ماه های اخیر افزایش سقط جنین داشته ایم به کمیسیون بهداشت مجلس ارائه شود و مطمئناً قابل پیگیری است.

به نظر می رسد در ارسال پرازیت های ماهواره ای یک بعد قضیه که همان سلامت مردم است، نادیده گرفته شده است مردمی که شاید بخشی از آنها اصلاً رنگ ماهواره و شبکه های سیاسی را هم ندیده اند.

انوشیروان محسنی بندپی، نایب رئیس کمیسیون بهداشت و درمان مجلس شورای اسلامی نیز دیگر نماینده ای بود که با هشدار نسبت به تأثیر مخرب پرازیت های ماهواره ای و مخابراتی بر سلامت روان شهروندان تهرانی، اظهار داشت: متأسفانه بعد از انتخابات انواع پرازیت های مخابراتی به شدت افزایش یافته که مطمئناً برای سلامت تهرانی ها نگران کننده است.

این عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس با بیان این که گزارش ها و تحقیقات متعدد حکایت از خطرناک بودن امواج پرازیتی برای سلامت جسمی و روانی انسان دارد، خاطر نشان کرد: تحقیقات همچنین نشان داده که امواج پرازیت تأثیرات مخربی بر اعصاب و روان انسان نیز بر جای می گذارند.

پرازیت ها؛ مضر یا بی ضرر؟

گیجی و خستگی، ناشنوایی مزمن، التهابات و سرطان های پوستی، خونی، نخاع و اختلالات هورمونی (عقیم شدن مردان) و مشکلات باروری (در خانم های باردار) از جمله مواردی هستند که کارشناسان از احتمال بروز آنها در انسان بر اثر این امواج خبر می دهند. پیش از این نگرانی ها بیشتر در مورد امواج رادیویی و تلویزیونی و امواج آنتن های BTS موبایل صدق پیدا می کرد اما حالا امواج ارسال روی ماهواره ها نیز به موارد قبلی اضافه شده است.

نگاه سبز

جنبش سبز و جمهوری اسلامی
گفت‌وگویی مرتضی کاظمیان با علیرضا
علوی تبار



اشاره:

نام علیرضا علوی تبار با شورای سردبیری و سردبیری تعداد قابل توجهی از نشریات اصلاح طلب که اینک توقیف شده‌اند، گره خورده است. علوی تبار، از نویسندگان روزنامه «سلام» و عضو شورای مشاوران ماهنامه «کبان»، از هفته‌نامه‌های «بهمن» با مدیرمسئولی عطاءالله مهاجرانی گرفته تا «راهنو» به مدیرمسئولی اکبر گنجی، و از روزنامه «صبح امروز» سعید حجاریان تا روزنامه‌های بنیان و بهار و دوران و نوسازی و آئینه جنوب، و سرانجام ماهنامه «آفتاب» به مدیرمسئولی عیسی سحرخیز دربند، به قدر لازم در مطبوعات اصلاح طلب، موثر و فعال بوده است. نشریات و روزنامه‌هایی که محافظه‌کاران و اقتدارگرایان «زنجیرهای» توصیف‌اش می‌کردند و با «توقیف موقت» مرگ آنها را رقم زدند. علوی تبار (متولد ۱۳۳۹) دانش‌آموخته اقتصاد از دانشگاه شیراز، تا پایان جنگ تحمیلی به‌عنوان عضوی از سپاه پاسداران، در بخش شناسایی و اطلاعات عملیات فعال بوده است. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ و خاتمه جنگ، او به جهاد دانشگاهی رفت و از آنجا به مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری پا نهاد؛ مرکزی به مدیریت موسوی خوینیه‌ها. علوی تبار در این مرکز، افزون بر تحقیق و مطالعه، مدیریت داخلی نشریه «راهبر»، مرکز را عهده‌دار شد. وی مدرک کارشناسی ارشد خود را در «علوم اقتصاد» از دانشگاه اصفهان دریافت کرد، و بعدتر موفق به کسب دکترای خط‌مشی‌گذاری عمومی در موسسه عالی آموزش و مدیریت برنامه‌ریزی کشور شد؛ موسسه‌ای که هم‌اینک به‌عنوان پژوهشگر و مدرس در آن مشغول به کار است.

دکتر علیرضا علوی تبار در گفت‌وگویی که در زیر می‌خوانید، ملاحظاتی ناملم‌برانگیزی را در مورد جنبش سبز، مختصات و ویژگی‌های آن، کاربدها و بضاعت‌های نمادها راهبری آن، نحوه مواجهه حکومت با جنبش اعتراضی مردم ایران، عملکرد راهبران نمادین جنبش، و مقوله‌های هم حوزه مطرح کرده است. این نخستین گفت‌وگویی این صاحب‌نظر سیاسی، پس از سکوتی چند ماهه است.

غاز

گفت‌وگو با علوی تبار را با «مختصات جنبش اعتراضی کنونی ایران» آغاز کردم. او معتقد است که «برای درک

نظام یافته‌ی ویژگی‌های اعتراض‌های اخیر باید به دو ویژگی اصلی آن توجه کرد؛ هر یک از این دو ویژگی پیامدهایی دارند که خصوصیات این اعتراض‌ها را بهتر توضیح می‌دهند. این دو ویژگی از نظر او عبارتند از: یکم: «حوادث اخیر یک جنبش اجتماعی است. جنبش اجتماعی بودن آن به‌معنای وجود چند ویژگی فرعی در آن است. اول این‌که یک رفتار جمعی است و واکنش عده‌ای از مردم است به یک وضعیت یا مشکل خاص. دوم این‌که تا حدودی سازمان‌دهی شده است و از اعتراض صرف فراتر می‌رود و «ایده»‌ای را دنبال می‌کند. سوم این‌که پدیده‌ای کاملاً مدرن است که در جوامع سنتی نمی‌توان نمونه‌ی آن را یافت. چهارم این‌که شبکه‌های هرگونه دارد. از پایین به بالا با عناصری چون: هواداران و متمایلان، افراد نهادینه شده، تشکل‌های مننی و شبکه‌های نامحسوس و غیررسمی و گروه‌های سیاسی مشخص می‌گردد. پنجم این‌که فعالان آن دارای «گفت‌مان» مشترک و احساس «هویت» و «همبستگی» هستند.»

دوم: «حاصل یگانگی یک «جنبش عام متعارف با مطالبات سیاسی» با چند «پوشش خاص جدید با مطالبات فرهنگی و اجتماعی» است
وی در توضیح نظر خود می‌گوید: «در جامعه‌ی کنونی ما، شکاف میان حکومت و مردم منجر به ایجاد جنبشی خواهان مردم‌سالاری شده است که عمومیت دارد و ویژگی‌های جنبش‌های متعارف اجتماعی را داراست. اما در عین حال نه (۹) پوشش خاص اجتماعی نیز در جامعه‌ی ما موجود است که پیرامون شکاف‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی شکل گرفته‌اند. این پوشش‌ها بیشتر خصوصیات غیرمتعارف و جدید از خود نشان می‌دهند.» علوی تبار این پوشش‌ها را چنین برمی‌شمارد:

۱. پوشش جوانان، ۲. پوشش زنان، ۳. پوشش حنف‌شدگان غیردینی، ۴. پوشش ایرانیان خارج از کشور، ۵. پوشش طرفداران محیط زیست، ۶. پوشش قومی-فرهنگی، ۷. پوشش حقوق بشر، ۸. پوشش محرومان و فرودستان نظام اداری، ۹. پوشش حاشیه‌نشینان شهری.
- به عقیده‌ی او: «جنبش دموکراسی خواهی با هفت پوشش از پوشش‌های پیش‌گفته به‌طور کامل پیوند خورده است و تنها دو پوشش آخر هنوز به‌طور کامل با آن یگانه نشده‌اند. این یگانگی کامل جامعه‌ی ما را به حرکت درآورده و به لرزه انداخته است.»

وی می‌افزاید: عناصر تشکیل‌دهنده به این جنبش برخی پیامدهای مشخص را برای آن به ارغمان می‌آورند که هم می‌توانند «فرصت» باشند و هم در صورت مدیریت نشدن «تهدید». او سه مورد از آنها را این‌چنین مورد اشاره قرار می‌دهد و برمی‌شمارد:

- الف. تنوع خواسته‌ها و تقاضاها؛ همه‌ی هم‌راهان جنبش انتظار دارند که با تحقق مردم‌سالاری خواسته‌های خویش را متحقق سازند. در جریان جنبش سبز نیز هرکدام می‌کوشند تا خواسته‌ی خود را به‌عنوان محورترین و مهم‌ترین خواسته در «گفت‌مان» جنبش «جایب‌اندازند». تنوع خواسته‌ها اگرچه موجب افزایش طرفداران جنبش می‌شود اما می‌تواند به برخی رقابت‌ها و تعارض‌ها در درون آن نیز دامن زند.
- ب. گسترده‌گی و فراگیری حوزه‌ی عمل جنبش؛ زندگی اجتماعی مدرن انشعاق یافته است و حوزه‌های گوناگون زندگی در آن به نسبت معینی از یکدیگر استقلال دارند. جنبش‌های اجتماعی موثر و موفق در جوامع مدرن به‌طور معمول بر خواسته‌هایی مربوط به یک گروه اجتماعی یا در یک حوزه‌ی زندگی اجتماعی تمرکز می‌کنند و از پیشبرد مبارزات کلی و سرتاسری اجتناب می‌نمایند. به‌همین دلیل امکان اعمال قدرت آنها افزایش می‌یابد. جنبش کنونی ایران برای موفقیت ناگزیر است در هر گام بر یک حوزه تمرکز کند و از دنبال کردن خواست تغییر همه‌چیز به‌طور هم‌زمان پرهیز نماید. اما این‌کار مستلزم اقتناع و کسب همدلی همه‌ی فعالان است.

پ. شکی نیست که در مقایسه با انقلاب، جنبش‌های اجتماعی تحولی سریع و همه‌جانبه را وعده نمی‌دهند. آیا جامعه‌ی تحقیرشده و سرخورده می‌تواند صبوری کند و تحقق هدف‌های معین در حوزه‌های مشخص را تاب آورد؟

جنبش بی‌سابقه

از علوی تبار پرسیدم، آیا این جنبش در ۳۰ سالی که از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد، بی‌سابقه است؟ او تصریح کرد که جنبش کنونی بی‌سابقه است اما نه به‌خاطر ویژگی‌های جنبش‌های اجتماعی بلکه به‌علاوه به‌دلیل موقعیتی که حکومت در آن قرار دارد. وی توضیح داد: «برای دوره‌ی کوتاهی در دهه‌ی ۷۰ هجری خورشیدی جنبشی شبیه به جنبش کنونی (پیوند یک جنبش سیاسی عام با چند پوشش اجتماعی و فرهنگی خاص) را تجربه کردیم، اما اگرچه بحران حومت با شرایط کنونی متفاوت بود. در آن زمان اگرچه بحران مشروعیت وجود داشت اما به‌هیچ‌وجه با مشروعیت‌بخش در حکومت وجود داشت اما به‌هیچ‌وجه با بحران کنونی قابل مقایسه نبود. شدت بحران کنونی به‌حدی است که پایه‌های اجتماعی حکومت را بسیار تضعیف کرده است. بحران همبستگی درون طبقه‌ی حاکم نیز به‌هیچ‌وجه به‌شدت کنونی نبود. زمینه‌هایی که در شرایط کنونی برای اوج‌گیری بحران کارآمدی (ناتوانی حکومت از ایفای نقش عام و تأمین برخی خواسته‌های همگانی) وجود دارد در آن شرایط دیده نمی‌شد. حکومت در تلاشی که برای تبدیل شدن به یک‌سالاری داشته است بخش قابل‌توجهی از متحدین پیشین خویش (محافظه‌کاران سنتی و مصلحت‌گرایان) را از خویش رانده و به آنها آسیب زده است.»

او همچنین اضافه کرد که علاوه بر موارد فوق، نقش گسترده‌ی محافل نظامی-امنیتی در تصمیم‌گیری و تخصیص منابع در شرایط کنونی کشور سیمای حکومت را تغییر داده است و در نوع برخورد حکومت تغییراتی اساسی را موجب شده است. این‌چنین، جمع این عوامل جنبش کنونی را متمایز از حرکت‌های پیشین ساخته است.

وجه تمایز جنبش سبز

«آیا جنبش سبز واجد هویت (وجه تمایز) خاصی است؟ مولفه‌های هویت جنبش سبز یا وجه تمایز آن چیست؟»
علوی تبار در پاسخ به این پرسش، برخی وجه جنبش سبز را که آن را از سایر اقدامات اعتراضی سال‌های اخیر متمایز می‌سازد به شرح زیر فهرست کرد:

۱. نفی خشونت و پذیرش مسالمت به‌عنوان تاکتیک و استراتژی؛
 ۲. نفی دین‌سنجی؛
 ۳. تأکید بر پیوستگی تاریخی و نقد گذشته به‌جای انتقام گرفتن از گذشته؛
 ۴. فراگیرندگی و تلاش برای آغوش گشودن بر روی همه‌ی اقشار و گروه‌های اجتماعی؛
 ۵. تأکید بر حضور در کنار هم زنان و مردان در جنبش؛
 ۶. بهره‌گیری از ظرفیت‌های مردمی نهادهای سنتی چون مرجعیت و روحانیت؛
 ۷. تأکید بر اخلاقی بودن روش‌ها؛
 ۸. زنده کردن همبستگی‌های اجتماعی و ملی و بهره‌گیری از این همبستگی‌ها؛
 ۹. پیوند دادن دوباره‌ی نسل‌ها و برقراری گفت‌وگویی مستمر میان آنها.
- از او پرسیدم: «آیا جنبش سبز در ادامه‌ی جنبش اصلاحی است یا وجه تمایزی نسبت به آن دارد؟» وی اظهار داشت: «جنبش سبز تکامل جنبش اصلاحی است، با برخی تأکیدهای جدید، مانند تأکید بر همبستگی تاریخی به‌جای گسست تاریخی، تأکید بر عامه‌ی مردم به‌جای نخ‌بگرایی، تأکید بر همراهی با اقشار دست‌ورز و پایین در کنار طبقه متوسط مدرن، تأکید بر گفت‌وگوی سنت و مدرنیته به‌جای جدال میان آنها.»

جنبش رو به افول یا ارتقاء؟

یکی از مهم‌ترین پرسش‌های مطرح این روزها برای حکومت و معترضان و شهروندان ناظر، این است که آیا جنبش سبز رو به ارتقاء است یا رو به افول؟ و این که چه توصیه‌هایی برای استمرار و ارتقاء جنبش قابل طرح است؟ علوی تبار در جواب به این سؤال می‌گوید: «جنبش

راههای سبز



او تصریح می‌کند: «جنبش اجتماعی نیازمند جنبش‌های فکری و روشنفکرانی است تا به آنها کمک کنند تا ابعاد گوناگون اهداف، اشکال مبارزه و پیامدهای احتمالی مبارزه‌ی خود را هر چه دقیق‌تر و واضح‌تر درک کنند و بر اساس آن به فعالیت و مبارزه ادامه دهند. اما در نهایت این خود مردم و فعالان سیاسی و اجتماعی هستند که مبارزه را به پیش می‌برند و بدان سمت سو می‌دهند.»

این‌چنین، راهبرد پیشنهادی علوی‌تبار برای جنبش سبز، «آموزش ضمن مبارزه» اجتماعی و سیاسی است. آن هم آموزشی که به تغییر رفتار، دیدگاه‌ها و ارزش‌ها و هنجارها می‌انجامد. وی در عین حال می‌افزاید: «با تمرکز بر بعد سیاسی جنبش سبز و برای رسیدن به هدف اصلی آن (استقرار مردمسالاری) می‌توان برای گذار از وضع موجود، راهبرد «فرسودن اقتدارگرایی» را ارائه کرد. دقت کنید که این راهبرد بیشتر معطوف به «اقتدارگرایی» است و نه لزوماً «اقتدارگرایان»، یعنی یک وضعیت را نشانه می‌رود و نه افراد یا گروه‌هایی مشخص را. محور این راهبرد این است که مجموعه مناسبات و فضای اجتماعی را که به استقرار وضعیت اقتدارگرایی انجامیده است، تضعیف کرده و زمینه را برای جانشین مردمسالار این وضعیت فراهم سازد.»

به نظر او، راهبرد «فرسودن اقتدارگرایی» مستلزم ایفای چند نقش (کارکرد) اصلی توسط جنبش اجتماعی معترض است. وی این نقش‌ها را چنین برمی‌شمارد:

۱. مقاومت در برابر ادغام. فعالان جنبش نباید خود را مجاز بدانند که از حالت بسیج خارج شده و در درون مناسبات اقتدارگرایانه جنب شوند. معترضان فعال باید باقی مانده و حداقلی از موجودیت فرهنگی، ایدئولوژیک و نهادی مستقل را حفظ کنند و بکشند تا معترضان منفعل را نیز به‌صورت فعال درآورند.

۲. حراسات از حوزه‌های مستقل و خودگردان در برابر اقتدارگرایی. هر قدر اتحادیه‌ها، جماعت‌های دینی، احزاب و... مستقل از اقتدارگرایان وجود داشته باشند فضای کمتری برای عمل نهادگرا باقی می‌ماند.

۳. زیر سؤال بردن مشروعیت و حقانیت اقتدارگرایی.

۴. بالابردن هزینه‌های حاکمیت اقتدارگرایان.

۵. ایجاد یک بدیل مردمسالار قابل قبول برای آینده.

به نظر او، این راهبرد کلی را می‌توان با ارائه‌ی راهکارهای جزئی تکمیل کرد.

از علوی‌تبار پرسیدم که آیا می‌توان تکیه بر اعتلای سیاست از طریق گسترش هر چه بیشتر سپهر عمومی را به‌عنوان یک استراتژی موفق و نقطه عزیمتی جدید برای توسعه انسانی و ایجاد دولت مدرن، دموکراتیک، پاسخگو و کارآمد در ایران مورد توجه قرار داد؟ او معتقد بود: «گسترش سپهر عمومی، هدف و راهبردی است که در تمامی مراحل برای کشور ما لازم به‌نظر می‌رسد؛ از این‌رو نمی‌توان از آن به‌عنوان راهبردی ویژه برای شرایط کنونی یاد کرد.»

عدم‌خوشونت

این روزها بحث توجه به عدم‌خوشونت را برخی با انفعال، یکسان ارزیابی می‌کنند و مورد هجمه قرار می‌دهند؛ نظر علوی‌تبار را در مورد نسبت بین انفعال و مشی ضدخوشونت جنبش جویا شدم؛ این‌که چگونه می‌توان در عین حفظ مشی ضدخوشونت، مانع از انفعال و افول جنبش شد؟ او توضیح داد: «معنای انفعال این است که «زمان»، «شعارها» و «شیوه‌ی اقدام» جنبش توسط دیگران شکل گرفته و تعیین شود. به‌ویژه اگر این دیگران «سرکوبگران اقتدارگرا» باشند، انفعال کامل خواهد بود! اما روش نفی‌خوشونت یک «انتخاب» است که بر مبنای مباحث نظری و جمع‌بندی تجربی یک‌صد ساله‌ی مبارزه‌ی مدرن در ایران انتخاب شده است. آنچه می‌تواند جنبش را از خطر انفعال خارج کند «رهبری کارآ» و «سازماندهی منسجم» است. اگر رهبری نمادین جنبش (آقایان موسوی، کروبی و خاتمی) در ارتباط و مشاوره‌ی منام باشند و با تکیه بر شبکه‌ای فعال از تحلیل‌گران و سازمان‌دهندگان

۴. افزایش حضور روحانیون و زنان در درون جنبش و تداوم ارتباط و اقیان مراجع برای دعوت به پرهیز از قهر.

۵. بهره‌برداری حداکثری از حفاظت‌های قانونی. در برخی شرایط پذیرش موقت اجبار ساختاری اعمال اجبار ابزاری را بی‌وجه می‌گرداند.

۶. طرح مداوم شعار بخشش و مقابله با شعارهای انتقام‌جویانه در درون جنبش.

۷. طرح خواسته‌های حداقلی و پرهیز از طرح شعارهایی که در طرف مقابل وحشت ایجاد می‌کند.



وضع جمهوری اسلامی

در ادامه‌ی گفت‌وگو از او پرسیدم که بعد از وقوع جنبش سبز، وضع نظام سیاسی جمهوری اسلامی را چگونه ارزیابی می‌کند؟ وی تصریح کرد: «جمهوری اسلامی در آستانه‌ی اوج‌گیری تعارضات قرار دارد. دو عنصر «حکومت تضعیف شده و بحران‌زده» و «مردم ناراضی و معترض» بستر را برای گسترش تعارض فراهم کرده است. افزوده شدن فشارهای خارجی و بحران کارآمدی ناشی از خطمشی‌های نادرست دولت می‌تواند وضعیت را باز هم خطرناک‌تر نماید. جمهوری اسلامی واقعا" موجود (نه آنچه در قانون اساسی آمده یا مورد درخواست طرفداران مردمسالاری دینی است) در دشوارترین موقعیت خویش پس از انقلاب قرار دارد.»

استراتژی جنبش سبز

«با توجه به تجربه‌ی پنج‌ش ماهه‌ی جنبش سبز، آیا این جنبش از استراتژی مشخصی تبعیت کرده است؟» علوی‌تبار در پاسخ می‌گوید: «با توجه به این‌که شرایط کنونی ایران امکان گفت‌وگوهای جمعی و رودررو با رهبران و فعالان جنبش را به‌شدت محدود کرده است، از این‌رو اطلاع از استراتژی‌های احتمالی موجود در میان فعالان سطوح مختلف جنبش دشوار است. و بر این اساس نمی‌توان از وجود استراتژی مشخصی سخن گفت و به ارزیابی آن پرداخت.»

اما به‌عنوان یک صاحب‌نظر، آیا او استراتژی مشخصی برای تحقق اهداف جنبش سبز پیشنهاد می‌کند؟ علوی‌تبار معتقد است: «مهم‌ترین دست‌آورد جنبش‌های اجتماعی که به‌طور مستقیم نیز به‌دست می‌آید آموزشی است که خود شرکت‌کنندگان در آن در فرایند مبارزه می‌بینند. مبارزه‌ی مستمر و سازمان‌یافته در متن جامعه به شرکت‌کنندگان در جنبش‌های اجتماعی کمک می‌کند تا ساختار جامعه، ارزش‌های حاکم بر جامعه و توان و امکانات خود را بهتر بشناسند. این مبارزه همچنین به آنها کمک می‌کند تا بیش از پیش آماده‌ی پذیرش غیربیت دیگران و همکاری با دیگران بر مبنای توافق‌های ممکن شوند.» وی می‌افزاید: «مسئله‌ی اصلی در جنبش‌های اجتماعی نه به‌دست آوردن امکانات و منابعی نو بر اساس بازتوزیع امکانات موجود که به‌دست آوردن جایگاه و مقامی نو و رابطه‌های متفاوت با جهان و طبیعت است. مشخص است که برای آنها مهتر از هر چیز تغییر دیدگاه مردم است. به بیان دیگر، استراتژی اصلی جنبش‌های اجتماعی تغییر دیدگاه عمومی مردم، ارزش‌ها و هنجارهاست.»

از این‌رو با توجه به ظرفیت‌های موجود به‌نظر می‌رسد که زمینه برای ارتقاء آن فراهم باشد. اما ارتقاء جنبش در عمل، از یکسو به وضعیت حکومت و از سوی دیگر به وضعیت مردم بستگی دارد. در سطح حکومت اگر بحران‌های مشروعیت، کارآمدی، همبستگی طبقه حاکمه و اعمال سلطه پدیدار شده و یا فزونی یابند و حکومت ضعیف و بحران‌زده شود امکان ارتقاء جنبش اعتراضی افزایش می‌یابد. در سطح جامعه نیز افزایش میزان ناراضی‌تبی، سازمان‌دهی کارآمدتر و منسجم‌تر ناراضیان، ارتقاء و فراگیری گفت‌وگوهای اعتراضی و مقاومت و انسجام و تدبیر بهینه‌تر رهبری جنبش به ارتقاء سطح جنبش می‌انجامد.»

مهمترین چالش‌های جنبش

از علوی‌تبار در مورد مهم‌ترین چالش‌های جنبش پرسیدم، او به موارد زیر اشاره کرد:

۱. سلطه‌ی نظامیان بر عرصه‌ی سیاست و اقتصاد و ضربه خورده اما به‌طور کامل سرکوب نشده است؛ بهره‌گیری آنها از فوه فهریه برای سرکوب هر جریانی که این تسلط را مورد پرسش قرار دهد؛

۲. اقتصاد رانتی و تسلط دولت بر منابع نفتی و بهره‌گیری از درآمدهای نفتی برای خریدن و تطمیع کردن برخی از اقدار و تحت فشار گذاشتن برخی اقدار دیگر؛

۳. تشدید حس انتقام‌جویی در بخشی از اعضای جنبش در واکنش به اعمال خشونت و سرکوب و بروز رفتارهای خشن در میان طرفداران جنبش سبز؛

۴. رشد دیدگاه‌های افراطی، دین‌ستیز و خواهان قطعی کردن جامعه در اثر طولانی شدن مبارزه و مواضع غیرقابل انعطاف حکومت.

کنترل خشونت

در گفت‌وگو با علوی‌تبار به نقش مهم عنصر سرکوب و تهدید و اعمال خشونت علیه شهروندان معترض، توسط اقتدارگرایان اشاره کردم؛ مولفه‌های مهم و تاثیرگذار بر روند کنونی. از او پرسیدم که چگونه می‌توان این مولفه را کنترل کرد؟ وی در ابتدا توضیح داد: «اجبار یکی از ویژگی‌ها و چهره‌های پایدار و اصلی نهاد حکومت است. حکومت بیش از هر چیز پدیده‌ای اجبارآمیز است. به‌قول تولستوی کسی که در زندان نبوده، معنای حکومت را نمی‌فهمد. اما اجبار دو چهره دارد: اجبار ابزاری که به‌معنای تحمیل اراده‌ی حکومت بر مخالفان از طریق کاربرد ابزارهای مادی و آشکار است، و اجبار ساختاری که اجباری است که در ساختار قوانین و مقررات تعبیه شده است. اجبار ابزاری تک‌بعدی است درحالی‌که اجبار ساختاری دوجبه‌ی است.» به عقیده‌ی علوی‌تبار «چون حکومت ایران دارای بحران اعمال سلطه‌ی نیست از وجه اجبار ابزاری خود به‌بهرترین نحو استفاده می‌کند و این تنها پایه‌ی قدرت آن است که آسیب ندیده است.» او معتقد است که برای مهار خشونت ناشی از به‌کارگیری اجبار ابزاری اقدام‌های زیر می‌تواند مفید واقع شود:

۱. تفکیک میان «نیروی نظامی و انتظامی به‌عنوان نهاد» از «نیروی نظامی و انتظامی در مقام حکومت» هم در شعارها و هم در گفت‌وگوها و اقدام‌ها. باید برای نیروی سرکوبگر مشخص ساخت که هزینه‌های تحمیل شده بر نهاد در صورت سرکوبگری بیش از هزینه‌ی بی‌طرفی آنهاست.

۲. مذاکره و چانه‌زنی با هیئت حاکمه برای ایجاد تردید و دوگانگی در مورد میزان و شیوه‌ی کاربرد نیروهای نظامی و انتظامی در مقابله با مخالفان و منتقدان.

۳. تداوم روش‌های مسالمت‌جویانه و آشتی‌طلبانه و تکیه بر مشترکات به‌جای موارد تعارض و تضاد.

تصمیم‌گیری و عمل نمایند و شبکه‌ی ارتباطی میان هواداران جنبش سبز فراگیر و کمتر آسیب‌پذیر باشد، می‌توان با خطر انفعال مقابله کرد.

او تاکید کرد که مبارزه‌ی «مسالمت‌آمیز» لزوماً به‌معنای مبارزه در چهارچوب قانون نیست؛ «می‌توان مسالمت‌آمیز مبارزه کرد اما قوانین ناعادلانه و ظالمانه را شکست.» «نافرمانی مدنی» روش مسالمت‌آمیز اما به‌ظاهر غیرقانونی است. می‌گوییم به‌ظاهر، زیرا نافرمانی مدنی با قانون‌شکنی مجرمان تفاوت دارد. نافرمان مدنی ضمن نقض قانون، مجازات را می‌پذیرد و مثلاً با اعتصاب به زندان می‌رود، درحالی‌که مجرمان هیچ‌گونه از التزام به قانون را نمی‌پذیرند.»



خرده جنبش‌ها

خرده جنبش‌های اعتراضی (جنبش دانشجویان، کارگران، معلمان، جوانان، زنان، ...) با جنبش سبز چه رابطه‌ای دارند؟ علوی‌تبار به این پرسش چنین پاسخ داد: «به‌طور معمول جنبش‌های اجتماعی تغییر شرایط در یک حوزه‌ی معین زندگی اجتماعی را می‌طلبند و هدف تغییر سرتاسری را دنبال نمی‌کنند و توهم آن را هم ندارند که می‌توانند چنین کاری را به انجام رسانند. به‌طور معمول در جنبش‌های اجتماعی افراد در متن زندگی روزمره‌ی خود برای اهدافی که به‌طور مستقیم با زندگی آنها در ارتباط است تلاش می‌کنند، آنها انقلابیون حرفه‌ای یا کارگران حرفه‌ای قدرت نیستند. اما وضعیت جامعه‌ی امروز ما به‌گونه‌ای دیگر است. باوری عمومی وجود دارد مبنی بر این‌که مشکلات اقبال گوناگون جامعه (زنان، کارگران، معلمان، ...) ناشی از «خطمشی‌های نادرست» حکومت است و نه ناشی از موقعیت کلی جامعه و کمبود منابع در آن. اغلب «خطمشی‌های حکومتی» را به‌عنوان گلوگاه بطری در نظر می‌گیرند که با ایجاد تنگنا مانع رسیدن امکانات به بخش‌های مختلف می‌شود. از این‌رو اعتراض در جامعه‌ی ما رنگی سیاسی به‌خود می‌گیرد. به‌علاوه باید توجه داشت که جنبش اجتماعی نمی‌تواند یک «برنامه مشخص عمل» ارائه نماید، درحالی‌که حل مشکلات در هر یک از

حوزه‌های زندگی اجتماعی مستلزم توجه به هنجارهای خاص حاکم در آن حوزه و ساز و کارهای فعال در آن حوزه است و به برنامه و طرحی مشخص نیاز دارد.» از این منظر، وی تاکید می‌کند که «جنبش سبز ناگزیر است ماهیت سیاسی خود را کماکان حفظ نماید و ضمن آن‌که وارد ارانه‌ی طرح‌های خاص در حوزه‌های خاص نمی‌شود از روندهایی سخن بگوید که باید برای حل مشکلات پیش گرفت. به بیان دیگر، مردمسالارانه کردن تصمیم‌گیری در حوزه‌های مختلف می‌تواند شعاری باشد که جنبش مردمسالاری خواهی را با جنبش‌های اعتراضی پیوند می‌دهد. در این مردمسالارانه کردن تصمیم‌گیری باید بر عناصری چون مشارکت ذی‌نفعان، برابری و رفع تبعیض، شایسته‌سالاری به‌جای ارادت‌سالاری و تصمیم‌گیری عقلانی تاکید شود.»

و این نکته‌ی مهم که بین احزاب و سازمان‌ها و جنبش‌ها ارتباطی باید وجود داشته باشد، سنوالات دیگر من از علوی‌تبار بود؛ او توضیح داد: «قدرت جنبش‌های اجتماعی در گسترده‌ی و درجه‌سازمان‌دهی آنها نهفته است. از این نظر باید در جهت جذب اعضای جدید و سازمان‌دهی آنها بکوشند و این بدون کار تبلیغی و ترویجی ناممکن است.

احزاب و سازمان‌های سیاسی علاوه بر آن‌که به‌عنوان بخشی از شبکه‌ی هر می‌جنبش در آن حضور داشته و فعالیت می‌کنند باید در جهت سازمان‌دهی و کار تبلیغی و ترویجی در آن بکوشند. باید توجه داشت که در نهایت تحقق بخشیدن به اصلاحات ضروری در حوزه‌های مختلف از طریق سازمان‌ها و احزاب سیاسی دارای قدرت یا سهیم در قدرت یا دارای نفوذ بر قدرت صورت می‌گیرد. اعضای یک جنبش می‌توانند با پیوستن به احزاب و سازمان‌های سیاسی به تقویت جامعه مدنی برخیزند و در ضمن از امکانات حزبی برای تداوم جنبش بهره‌گیرند. به‌علاوه در نهایت به هنگام پیروزی جنبش نیازمند تشکیل‌های سیاسی است که اهداف و شعارهای کلی جنبش را به برنامه عمل تبدیل نمایند.» وی توصیه می‌کند: «هسته‌های گفت‌وگو ساز در جنبش اجتماعی باید دقت کنند تا حفظ گستردگی و تنوع جنبش مضمون ضدتشیکیاتی و نافی احزاب سیاسی پیدا نکند.»

نمادهای راهبری جنبش

از علوی‌تبار پرسیدم که آیا برای جنبش اعتراضی مردم ایران، رهبری مشخصی قائل است؟ او توضیح داد: «جنبش‌های اجتماعی از مرکزیت و رهبری واحدی برخوردار نیستند اما خواست آنها یا هدف کلی آنها مشخص است. به‌مخاطر وسعت، افراد و گروه‌هایی متفاوت در چارچوب آنها فعالیت می‌کنند و هرکس درک خاص خود را از مبارزه و اهداف آنها دارد. به‌طور مرسوم جنبش‌های اجتماعی از پویایی بالایی برخوردارند و پی‌درپی سمت‌وسوی حرکت آنها تغییر می‌کند، اعضای جدید گرایش‌های جدید با خود به درون جنبش می‌آورند اما به‌طور کلی خط و مسیر کلی حرکت جنبش‌ها ثابت می‌ماند. افرادی که در این جنبش‌ها شرکت می‌کنند می‌توانند درک جدیدی از اهداف آنها و امکان‌های رسیدن به این اهداف داشته باشند، اما نمی‌توانند اهدافی یکسره نو و متفاوت را برای آنها تعیین کنند. از این‌رو اگر چه جنبش‌ها مرکزیت به‌معنای تشکیلاتی آن ندارند اما رهبران «نمادین و گفت‌وگو ساز» دارند. رهبران نمادین، نماد ماهیت جنبش و اهداف آن هستند و هسته‌های گفت‌وگو ساز از تبدیل جنبش به شورش جلوگیری کرده و آن‌را از صرف اعتراض به پیگیری یک ایده دعوت می‌کنند.»

در ادامه ارزیابی و تبیین او را از بیانیه‌های میرحسین موسوی خواستار شدم؛ وی در ابتدا اظهار داشت که به‌نظر می‌رسد بیانیه‌های مهندس موسوی در چند زمینه‌ی مشخص نقش مثبت ایفاء کرده است.

وی این موارد را چنین فهرست کرد:

۱. ایجاد انگیزه و امید به آینده در هواداران جنبش.
۲. تعیین چارچوب‌ها و معیارهای کلی برای تصمیم‌گیری و اقدام.
۳. کاهش تنش‌ها و دوگانگی‌های احتمالی درون جنبش.
۴. تلاش برای کاهش مقاومت در برابر تغییر.
۵. تلاش برای ارائه‌ی چهره‌های قابل پیش‌بینی و اعتمادآفرین از جنبش.
۶. جلوگیری از گرایش به خشونت و مقابله به مثل در درون هواداران جوان‌تر جنبش.

به‌عقیده‌ی علوی‌تبار، مستقل از کارکردهای این بیانیه‌ها اگر بخواهیم تبیینی از آنها ارائه‌ی نماییم، و اگر از بیرون نگاه کنیم به‌نظر می‌رسد که موسوی این بیانیه‌ها را با توجه به محورهای زیر، نگاشته و منتشر می‌کند:

- الف. مشروعبخش و تقویت حقانیت جنبش
- ب. مقابله با تهاجم ایدئولوژیک و سیاسی به جنبش
- پ. ایجاد مفصلی برای ارتباط میان گرایش‌های سنتی و مدرن در جامعه ایران و تقویت اشتی‌پذیری میان گرایش‌های مختلف فرهنگی در ایران
- ت. حفظ تداوم تاریخی و تاکید بر ضرورت تکیه بر تجارب تاریخی

ت. تعدیل گرایش‌های افراطی و تقریبی موجود در جنبش

ج. تخریب دیوار ترس (ترس از اقدام در مردم و ترس از تغییر در محافظه‌کاران)

علوی‌تبار تاکید کرد که با وجود دلایل مثبت و قابل قبول این بیانیه‌ها، به‌گمان او همه‌ی آنها از یک مشکل مهم

رنجورند. این‌که «مهندس موسوی باید به تحلیلی واقع‌بینانه‌تر و ریش‌نگرتر از ماهیت جمهوری اسلامی واقعا» موجود (نه آنچه در قانون اساسی آمده یا خواسته‌ی طرفداران مردمسالاری دینی است) و تحولات دهه‌ی نخست انقلاب اسلامی دست‌یابد؛ در غیر این‌صورت قادر به ریشه‌یابی درست مشکلات موجود و ارائه‌ی راه‌حل‌های مناسب برای آنها نخواهد بود.» وی تصریح کرد:

«آرمانی‌سازی تصویر گذشته کمکی به درک مشکلات نخواهد کرد؛ ما نیازمند نگاهی انتقادی‌تر به خود و گذشته هستیم. البته این نگاه انتقادی تنها به حاکمیت و فعالان آن محدود نمی‌شود، اپوزیسیون نیز باید مورد چنین بازنگری انتقادی قرار گیرد.»

از علوی‌تبار در مورد مهم‌ترین منابع و امکانات مهندس موسوی سؤال کردم؛ او موارد زیر را مورد اشاره قرار داد:

۱. توانایی مهندس موسوی برای جلب همراهی و هدلی دو رهبر نمادین دیگر جنبش (آقایان کروبی و خاتمی)؛
۲. سوابق و پیشینه‌ی مهندس موسوی که مانع تاثیرگذاری برخی از امواج تبلیغاتی علیه ایشان می‌گردد؛
۳. شجاعت و پایبندی به اصول و قواعد؛
۴. توانایی ایجاد اعتماد و اطمینان در میان بخش‌های سنتی‌تر جامعه؛
۵. سلامت مالی و اخلاقی؛
۶. تجربه‌ی مدیریت بحران و تصمیم‌گیری در شرایط بحرانی.

در ادامه، ارزیابی او را از عملکرد مهندس موسوی در ماه‌های اخیر جویا شدم؛ این‌که آیا موسوی توانسته است امید، اعتماد و دل‌بستگی بدنه‌ی جنبش را حفظ و تقویت کند؟ وی تاکید کرد که ارزیابی شخصی‌اش از عملکرد موسوی مثبت است؛ اما افزود: «اخیراً» گله‌هایی را می‌شنوم که معطوف به حضور کمتر ایشان در میان هواداران جنبش است. «علوی‌تبار همچنین گفت: «اگر چه تاکنون ایشان در ایجاد اعتماد و دل‌بستگی در مردم موفق بوده است اما حفظ این وضعیت به دقت و توجه بسیار نیاز دارد.»

و ارزیابی کنش سیاسی «شیخ مهدی کروبی» در چند ماه اخیر؟

این، آخرین سؤال من از علوی‌تبار بود. او معتقد است که در مورد کروبی چند نکته‌ی قابل توجه وجود دارد: «قبل از هر چیز، شجاعت و صداقت ایشان ستودنی است؛ رفتار ایشان نشان می‌دهد که باوری عمیق به آنچه ادعا می‌کند دارد. برخوردهای شجاعانه‌ی ایشان تداوم انواعی از ستم را غیرممکن ساخته است؛ به‌عنوان نمونه، افشاگری شجاعانه‌ی ایشان خطر تجاوز را در زندان‌ها به شدت کاهش داد. پیگیری ایشان را نیز باید ستود.» وی در عین‌حال می‌گوید: «آنچه گاه نگرانی ایجاد می‌کند این پرسش است که ایشان تا چه حد پایبند به قواعد رهبری جمعی در جنبش هستند؟» او می‌افزاید: «نمی‌خواهم بگویم نکته‌ی منفی‌ای وجود دارد، تنها می‌خواهم نگرانی خود را ابراز کنم.»





<http://unblockedbebo.info/>
<http://x105f.info/>
<http://eproxy.site.info/>
<http://85unlocknow.info/>
<http://ipmagick.info/>
<http://schoolproxywebsites.cn/>
<http://eproxy.site.info/>
<http://admitfirst.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://www.beginquick.info/>
<http://unblockedbebo.info/>
<http://02012.info/>
<http://02013.info/>
<http://02014.info/>
<http://bestschoolproxy.cn/>
<http://enewproxy.info/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://google12.net/>
<http://www.dartall.info/>
<http://vistaproxy.uni.cc/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://ta1055.info/>
<http://pinkdot.info/>
<http://lemonbox.info/>
<http://proxify.tv/>
<http://proxycros.co.cc/>
<http://newfacebookproxy.cn/>
<https://fl.mikatammi.com/pn/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://bypassbluecoat.info/>
<http://bypasscheat.info/>
<http://bypassfool.info/>
<http://bluecoatproxy.info/>
<http://www.dailyfind.info/>
<http://proxyanonym.com/>
<http://www.guessed.info/>
<http://cashcontest.info/>
<http://bypassinternet.info/>
<http://anonymousinternetsurfing.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://freepublic.info/proxy/>
<http://blogfaprox.co.cc/>
<http://twitterprox.co.cc/>
<http://pointblock.info/>
<http://blockedfacebookproxy.cn/>
<http://eproxys.info/>
<http://yourp.totalh.com/pro/>
<https://fl.mikatammi.com/pn/>
<https://sk.leader2006.net/pn/>
<http://02011.info/>
<http://msmarket.info/>
<http://02010.info/>
<http://anonymouswebbrowser.info/>

<http://66.90.77.3/~pro/>
<http://www.mapopen.com/p/>
<http://www.fluxa.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://internetcloak.com/>
<http://www.hashseek.net/>
<http://zankaweb.info/blocked/>
<http://79.170.40.54/t5f.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.34/dymoon.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.230/flummixdemo.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.49/only1internet.co.uk/downloads/>
<http://79.170.40.49/hoolaloops.com/download/s/>
<http://fallcan.info/>
<http://www.xp6.info/>
<http://proxy.diekhoff.eu/>
<http://wap.igma.tv.anonadult.com/cgi-bin/nph-get.cgi>
<http://www.perlproxy.com/>
<http://www.carlomozetic.net/cgi-bin/nph-proxy.pl>
<http://wap.zed.com.ph.gowingo.com/cgi-bin/nph-get.cgi>
<http://www.nivol.net/>
<http://anonymousaccess.info/>
<http://cultlegend.com/>
<http://hidemyself.co.tv/>
<http://www.firstip.info/>
<http://www.please-just-come-here.info/>
<http://secondip.info/>
<http://anonymousschoolproxy.cn/>
<http://unblockdigg.info/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://www.resellersvip.com/>
<http://blej.info/>
<http://www.unlock101.info/>
<http://www.cheesecamera.com/>
<http://www.easylinks.info/>
<http://www.resellersbasement.info/>
<http://www.phpnukecenter.com/>
<http://www.directoryeasy.info/>
<http://surf Unblockproxy.cn/>
<http://proxybays.co.cc/>
<http://anonymousproxyservice.info/>
<http://forexpip.info/>
<http://tweetprox.co.cc/>
<http://takeprox.co.cc/>
<http://www.freewebatschool.info/>
<https://gosikhteh.com/fa/>
<https://changeezi.com/fa/>
<http://myspaceprox.co.cc/>
<http://56unlocknow.info/>

فیلتر شکن های جدید

<http://blue.xp6.info/>
<http://www.badkid.info/>
<http://forexmicro.info/>
<http://httpsanonymous.info/>
<http://www.fallnow.info/>
<http://admitsite.info/>
<http://easeforyou.info/>
<http://penguin-proxy.info/>
<http://unblockedtechnorati.info/>
<http://tuxproxy.info/>
<http://newwebproxy.cn/>
<http://www.xp6.info/>
<http://xopen21.info/>
<http://www.xp5.info/>
<http://phproxywebproxy.cn/>
<http://www.firstip.info/>
<http://schoolproxysites.info/>
<http://2009.xp5.info/>
<http://itsmine.co.tv/>
<http://viewschoolproxy.cn/>
<http://www.vistaproxy.uni.cc/>
<http://www.masking.uni.cc/>
<http://www.badidea.info/>
<http://maktoobprox.co.cc/>
<http://soroxy.fileave.com/>
<http://webproxyurl.cn/>
<http://gumtreeprox.co.cc/>
<http://pokerprox.co.cc/>
<http://playprox.co.cc/>
<http://beboprox.co.cc/>
<http://unlockproxyweb.cn/>
<http://server4surf.co.cc/>
<http://unblockedflickr.info/>
<http://forexarbitrage.info/>
<http://anonymouslist.info/>
<http://prettyteacher.co.tv/>
<http://www.helloteacher.info/>
<http://www.unlock101.info/>
<https://vz.rio10.com.br/pn/>
<https://vy.bajoonline.com.ar/pn/>
<https://ue.dougandara.ca/pn/>
<https://mizeabi.com/fa/>
<http://daftaresabz.com/>
<http://ipmirage.info/>
<http://x105s.info/>
<http://egelska.is/proxy3/>